



جمعه ۲۰ دی ۱۳۶۲ مطابق
۱۰ ژانویه ۱۹۸۴
سال دوم، شماره ۷۶
بهیلا : ۴۰۰ ریال

راه حل‌های بحران زابرای رفع بحران

• راه سرمایه‌داری در کشورهای استعمارزده، راه فرورفتن در نااتلاق بحران تعمیق یابنده اجتماعی-اقتصادی و سیاسی

اتخاذ سمگیری سرمایه‌داری از سوی حکام ج ۱۰، در میهن ما، همچنان که حزب توده ایران پیش‌بینی کرده بود، بگونه‌ای اجتناب‌ناپذیر به نوسازی پرشتاب نظام سرمایه‌داری وابسته انجامیده است و دولت بی‌ثبات ج ۱۰ را در محاصره مشکلات پایان‌ناپذیر اجتماعی-اقتصادی قرار داده است.

در شرایطی که فشار و ارهاب دم‌افزون ارتجاع حاکم (که از مدتها پیش راه هرگونه تصمیم‌گیری و قانونگذاری مترقی را سد کرده است) و حتی سخن‌گفتن از راه‌های ترقی‌خواهانه مشکلات را ممنوع کرده است، مدافعان د و آتش‌احیاء سرمایه‌داری وابسته، میدان را برای یکه‌تازی بیش‌از پیش مناسب می‌بینند.

کسانی که با رهبری و شرکت در توطئه مسخ انقلاب و تحمیل راه رشد سرمایه‌داری وابسته، خود مسبب اصلی پیدایش وضع کنونی هستند، امروز برای فریب مردم و پیشروی بیشتر در راه به شکست‌کشاندن همه جانبه انقلاب، از مشکلات خود ساخته انتقاد می‌کنند و برای حل آنها انواع رهنمودها و راه‌حل‌های "آریامهر آلوده" را در بسته‌بندی‌های شرعی بقیه در صفحه ۵

تحصن در کارخانه‌د خانیاات تهران

• ارتجاع حاکم هرگونه اعتراض را با سرکوب و بازداشت پاسخ می‌دهد!

روح قطب زاده در کالبد آقای رفسنجانی

جنگ صلیبی‌ها رترین جناح امپریالیسم به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، برای تضعیف مواضع سوسیالیسم، جنبش کارگری در کشورهای سرمایه‌داری و سرکوب جنبش‌های رهایی‌بخش ملی با شدت هر چه تمام‌تر ادامه دارد. تشدید بحران اجتماعی-اقتصادی و سیاسی و ایدئولوژیک امپریالیسم جهانی و نزدیکی مرگ تاریخی محتوم آن، درنده‌ترین جناح‌های امپریالیستی را به شدیدترین واکنش‌ها در برابر روند تکامل تاریخ واداشته است. ریگان رئیس‌جمهور آمریکا در سخنرانی در پارلمان انگلستان از جمله گفت: "بیایید تردید به خود راه ندهیم. بیایید از قدرت خود برای تبدیلی مارکسیسم-لنینیسم به خاکستر باقیمانده از حریق تاریخ استفاده کنیم".

چنانکه روشن است، ارتجاع امپریالیستی، همه نیروهای ارتجاعی جهان را به اتحاد حول کاریایه سیاسی "کونیسم ستیزی" و "شوروی ستیزی" فراخوانده است.

به گواهی تاریخ، در انقلاب‌های رهائی‌بخش ملی نیز این شعار امپریالیستی، همواره محور اتحاد همه نیروهای ارتجاعی بوده است. امروز که یورش همه جانبه به جنبش‌های رهایی‌بخش ملی، یکی از آماج‌های عمده امپریالیسم جهانی را تشکیل می‌دهد، این توطئه کپک‌زده بقیه در صفحه ۱۳

تحولات طبقاتی در جامعه ایران در انقلاب بهمن

احزاب سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان، دادگاه‌های افسران آزادی‌خواه و توده‌های‌های در بند، باید بر اساس موازین حقوق بین‌المللی، با حضور وکلای معتبر جهانی و خبرنگاران خارجی تشکیل شود.

کارزار گسترده ضد توده‌های و سوسیالوژی ستیزانه‌ای که پس از سرکوب خونین حزب توده ایران به سیاست رسمی حاکمیت ج ۱۰ بدل شده است، با برپایی پیدادگاه‌های نظامی در بسته، که در آن قاضی و دادستان نقش واحدی را بقیه در صفحه ۳

دروغگویان با "فضیلت"

ادامه کار دادگاه هانتان می‌دهد که «متهمان» تنها به جرم عضویت در حزب توده ایران، مراقبت از انقلاب، افشای ضد انقلاب و کشف توطئه کودتا‌های امپریالیستی تحت پیگردوشکنجه قرار گرفته‌اند.

آخرین پرده نمایش "سیا" ساخته و ساواک پرده احتیاطی که عنوان "محاکمه اعضای سازمان مخفی حزب توده" را بر خود دارد، به پایان رسید. جلادان ج ۱۰ در برابر موج اعتراضات بین‌المللی علیه غیرقانونی بودن دادگاه‌های در بسته، عدم حضور وکلای مدافع، نقض بدیهی‌ترین اصول دادرسی و عدم حضور خبرنگاران خارجی، به اقدام نمایشی رسوائی دست یازیدند و به تعدادی خبرنگار خارجی اجازه دادند در آخرین جلسه این پیدادگاه‌ها شرکت کنند.

وضع جسمی متهمان که برخی از آنان به زحمت می‌توانستند صحبت کنند، افشاگر جنایاتی است که جلادان بی‌آرم علیه قربانیان خود روا داشته و می‌دارند.

این اقدام نمایشی رژیم نیز همانند تمام تقلاهای آنان در این زمینه نتوانست بر این واقعیت حجاب بکشد که به رغم کارزار تبلیغاتی رژیم بخیسه شب‌بازی غیرقانونی و مفتضح محاکمه اعضای سازمان مخفی حزب توده "بر هیچ دلیل و مدرکی استوار نیست و" متهمین "زیر شکنجه‌های وحشیانه به" اقرار "مجبور شده‌اند".

پس از یورش سبانه به حزب توده ایران و بازداشت اعضا و فعالین آن به اتهام بی‌اساس "جاسوسی" و "شرکت در توطئه براندازی"، هاشمی رفسنجانی، امام جمعه موقت تهران، در بقیه در صفحه ۲

پایدار باد همبستگی گسترده با زندانیان توده‌ای!

دروغگویان با "فضیلت"!

ارتجاع حاکم خوب دست سیاست امپریالیستی

در حقیقت برگزاری این بیدادگاه‌ها ، گوشه‌ای از جنگ صلیبی امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا است، که به دست ارتجاع چهار حاکم شده بر میهن ما ، علیه نیروهای صلح و ترقی اجتماعی اجرا می‌شود و یک بار دیگر این حکم را که ارتجاع حاکم بر میهن ما ، همانند رژیم شاه به خوب دست سیاست امپریالیستی بدل شده است، به اثبات می‌رساند .

صحنه سازی " دادرسی " از لحاظ خلصت خود نیز در حکم نقی آشکار موازین حقوقی بین - العلی و همچنین مفاد قانون اساسی ج ۱۰۱۰ است .

" اقراریر "ی که تحت شکنجه‌های ددمشانه جسمی و روحی اخذ شده (و آثار آن به گزارش خبرگزاری فرانس پرس در این آخرین جلسه بیدادگاه نیز به عیان دیده می‌شد) از احساسات حقوقی نمی‌تواند دلیل بر گناهکاری آنها باشد . اصل ۳۸ قانون اساسی تصریح می‌کند : " هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار یا کسب اطلاع ممنوع است . اجبار شخص به شهادت ، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است " .

ولی آنچه که در این دادگاه‌های فرمایشی " آرزش " و " اعتبار " دارد و پایه اصلی کیفر - خواست دادستان را تشکیل می‌دهند ، " اقراریر " و شهادت های کسب شده با شکنجه های وحشیانه تحت عنوان " تخریر اسلامی " است . عوامل اجرائی قوه به اصطلاح مستقل قضائیه نه تنها از رعایت ابتدائی ترین حقوق متهمین سر - بازی می‌زنند و بر هشارها و اعتراضات و اعلام آمادگی نمایندگان سازمانها و جمعیت های دمکراتیک بین‌المللی و شخصیت های حقوقی و وکلای معتبر جهانی و خبرنگاران خارجی ، بینسی بر درخواست شرکت در دادگاه ها چشم فرو می - بندند ، بلکه به ظاهر برگزاری دادگاهها نیز بی توجهند . متهم و " مطلع " متهم را روی یک نیمکت در کنار هم می‌نشانند و رئیس دادگاه و دادستان هم به تناوب ، با حفظ سمت ! وظیفه آن دیگری را به عهده می‌گیرند .

قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران به درستی خاطر نشان می‌کند : " یورش سبعانه رژیم به حزب توده ایران ، زندانی کردن هزاران نفر از اعضا آن و غیره - قانونی اعلام نمودن فعالیت حزب ، کوچکترین ارتباطی با اتهامات سخیف ساخته و پرداخته ارگانهای اطلاعاتی رژیم نداشته و ندارد . یگانه علت را باید در حقانیت و اصالت جهان بینسی حزب ما ، در جدابیت آن ، در باور روز افزون زحمتکشان و روشنفکران میهن دوست به نظرات ، پیشنهادهات و برنامه‌های علمی و علمی ارائه شده از جانب حزب توده ایران بیکای کرد " .

جرم عضویت در حزب توده ایران ، مراقبت از انقلاب ، افشای ضد انقلاب و کشف توطئه کودتا های امپریالیستی تحت پیگرد و شکنجه قرار گرفتند . موارد اتهام اکثر " متهمین " عضویت در حزب ، شرکت در حوزه حزبی و پرداخت حق عضویت اقامه گردیده است .

بی‌علت نیست که مردم میهن ما هسر روز بیشتر سوال می‌کنند : پس کجا باید دلایسل " جاسوسی " مدافعان استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی ؟

سرود مردمی

ای جوان برومند برخیز
از دل و دست آتش بر انگیز
در زمین و زمان بی‌قراری است
خلق می‌خواندند وقت باری است !
گاه جنگ است
وقت تنگ است

پرچم انقلاب به چنگ است
دم آدم آخرین است ، بشتاب !
لحظه آفرین است بشتاب !
هر درنگی در این لحظه تنگ است !
ما بهم یک دل و یک زبانیم
از تبار هم و رنج و کوشش
ارتش فاتح این جهانیم
ما به پیوند و امید و پیکار
توده را از ستم می‌رهانیم !

دست من کیسره
یار من باش
این نبرد نهائی است ، هشدار
هموطنان ، هموطنان شهنش باش !
دست در دست
پای در پراه
قلب در مشت

حمله هم سبک و یار و هم پشت
خیل سرمایه را می‌رطابیم
توده را ، توده را می‌رهانیم
پرچم صلح پاینده ای را
بر بیخ‌زمین می‌کنانیم !

سازش کسوانی
شهر بهر ماه ۱۳۶۲

بقیه از صفحه ۱
حالی که از تربیون نماز جمعه " درس " فضیلت و تقوا می‌داد ، چشمه در چشم نمازگزاران به آنها دروغ گفت و اعلام کرد :

" ۰۰۰ در تکذیب اتهامات عجله نکنند . ما مدارک غیر قابل انکار در دست داریم " .
اما امروز حتی گزارش‌های تحریف شده و مغرضانه مطبوعات مجاز کشور به روشنی نشان می‌دهد که هیچ دلیل و مدرکی در اثبات ادعا های مقامات قضائی ج ۱۰۱۰ اقامه نشده و آنچه را که این مدعیان فضیلت و معنویت در بوقهای تبلیغاتی خود می‌دمند ، جز دروغی شرم آور بسه منظور جواب کردن ، " امت " نیست .

در عین حال این گزارشات سانسور شده که دور از چشم و گیش افکار عمومی جهان و ایران و بدون حضور خبرنگاران خارجی و داخلی تنظیم و از طریق " نوار " به روزنامه‌های مجاز ایران برای چاپ داده می‌شود ، آشکارا سستی استدالات و بوجی اتهاماتی که مقامات قوه قضائیه ج ۱۰۱۰ علیه اعضای حزب توده ایران مطرح می‌کنند ، بر ملا می‌سازد : کلیه " متهمان " ، این ادعا یفسده - جویانه را که گویا اطلاعاتی در اختیار بیگانگان قرار می‌دادند و در توطئه براندازی شرکت داشتند ، رد کردند . آنان علی‌رغم جو تهدید و ارباب حاکم بر فضای بیدادگاه - جوی که در آخرین جلسه تیز حاکم بود - بصراحت اعلام کردند که " در رژیم گذشته با پوست و گوشت و استخوان خود فساد ، ظلم ، جور و محرومیت را در جامعه ایران احساس می‌کردند (صبح آزادگان ۱۷ آذر ۶۲) و دولت موقت لیبرال را در هدایت " سکان کشتی مردمی که انقلاب کرد مانند و پا برهنه‌های جنوب شهر هستند به ساحل نجات " ناتوان می‌دیدند " (صبح آزادگان ، ۲۱ آذر ۶۲) .

این میهن دوستان در پشت درهای بسته " بیدادگاهها و اسیر دست سیاه دلانی به نام " دادستان " و " قاضی " اعلام کردند که به علت موافقت با برنامه حزب توده ایران و به انگیزه عدالت خواهی ، عشق به مردم محروم و رنج کشیده و حل معضلات اقتصادی و اجتماعی میهن ما به صفوف حزب توده ایران پیوستند و در واقع به همین " اتهام " نیز به پای میز محاکمه کشیده می‌شوند .

محمد بری شهری ، حاکم شرع و رئیس دادگاه های انقلاب اسلامی ارتش ، قبل از رسمیت یافتن اولین جلسه دادگاه اظهار داشت :
" ما اعضای یک حزب را محاکمه نمی‌کنیم ، بلکه عده‌های جاسوس را محاکمه می‌کنیم " (صبح آزادگان ، ۱۶ آذر ۶۲) .

او نیز دانسته دروغ می‌گوید . ادامه کار دادگاهها نشان داد که " متهمان " تنها به

مرگ بر امپریالیسم جهانخوار آمریکا ، دشمن اصلی خلق های ایران و جهان

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و مترقی سراسر جهان: دادگاههای افسران آزاد یخواه و توده‌ای‌های در بند، باید بر اساس موازین حقوق بین‌المللی، با حضور وکلای معتبر جهانی و خبرنگاران خارجی تشکیل شود

اخبار مربوط به محاکمه افسران آزاد یخواه و فعالین حزب توده ایران مورد بررسی قرار گرفته است.

مقاله، سپس از فعالیت محافل دمکراتیک دانمارک در زمینه همبستگی با زندانیان و خواستههایی که این محافل در رابطه با مراعات موازین حقوق بشر درباره آنان مطرح نموده‌اند، گزارش ارائه کرده و از جمله به این مطلب اشاره کرده است که اعزام هیأتی بین‌المللی مرکب از پزشکان و حقوقدانان، جهت بررسی وضع زندانیان تا کنون از طرف مقامات مسئول ج ۱۰، بلاجواب مانده است.

● یکی از اتحادیه‌های معتبر کارگران چاپ و روزنامه نگاران دانمارک، طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰، در این کشور، نسبت به تشکیل دادگاه‌های نظامی علیه میهن‌دوستان و عدم رعایت حقوق قانونی متهمان، شدیداً اعتراض کرده، قطع فوری محاکمات و برگزاری جلسات علنی با شرکت ناظران بین‌المللی را جهت افشای حقایق خواستار گردیده است.

آمریکا

موج اعتراض علیه تشکیل دادگاه‌های در بسته نظامی برای افسران میهن‌دوست و اعضای حزب

توده ایران، در شمال کالیفرنیا، همچون سایر نقاط جهان، بالا گرفته است. طی هفته‌های اخیر، بیش از یک صد تن از شخصیت‌های دمکرات و سازمانهای مترقی این ایالت، طی مخابره تلگرامهای متعدد به مقامات حکومتی ج ۱۰، بر پائی این بیدادگاهها را محکوم کرده، دولت ایران را به رعایت حقوق قانونی متهمان موظف دانسته و بر امر اعزام هیأتی

سوسیالیستهای دانمارک همچنین اضافه کرد مانده، برای تعمیق انقلاب ایران اتحاد کلیه نیروهای ضد امپریالیست نیاز مبرم جنبش است و کارزاری که علیه کمونیستهای این کشور به راه افتاده، خطر شکست انقلاب را در بر دارد.

● در صفحه اول شماره ۱۴، دسامبر (۲۳۰۰)

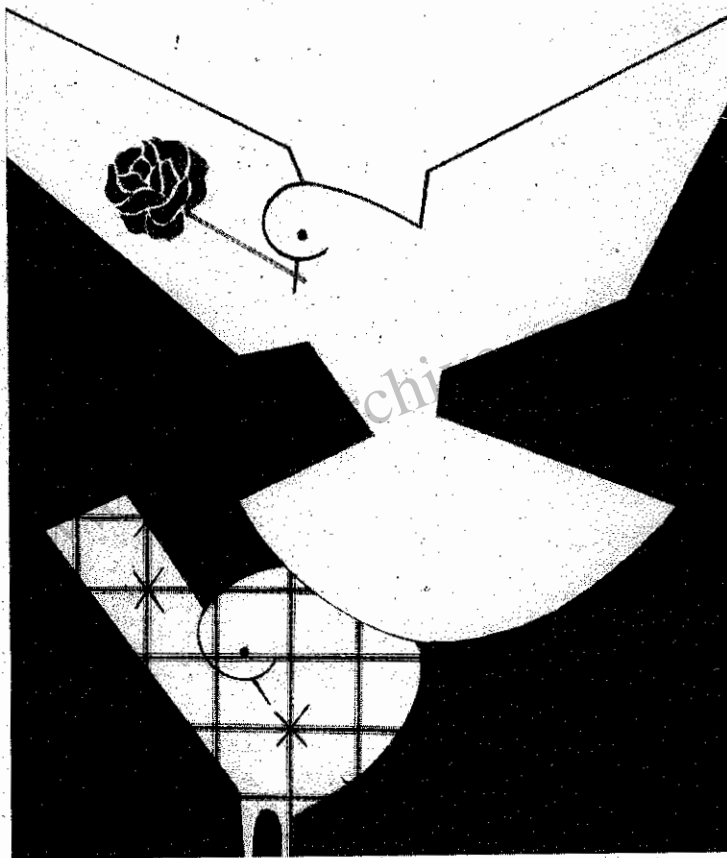
بقیه از صفحه ۱ بازی می‌کنند و کيفرخواست تنظیم شده علیه "متهمین" بر اساس پرونده‌های سیا ساخته و ساواجا پرداخته، برپایه هیچ سند و مدرکی استوار نیست، به اوج خود رسیده است.

ادامه این نمایش شوم و وهن آور کسه شادی دشمنان و اعتراض دوستان مردم و انقلاب آنان را برانگیخته، هر روز خشم و نفرت بیشتر مردم انقلابی ما و جهانیان مترقی را دامن می‌زند. آنان گزارشات مخدوش، سانسور شده و فرمایشی مربوط به این بیدادگاهها را، در پی یافتن سند و مدرکی دال بر اثبات اتهامات واهی و بی‌اساس که صحنه گردانان سیاست ج ۱۰ علیه "متهمین" اقامه کرده‌اند، دنبال می‌کنند و از آن‌ها کمترین اثری نمی‌یابند.

از همین روست که دامنه اعتراضات خود را گسترش می‌بخشند و هر بار قاطع‌تر از پیش برخورد است. اعزام هیأتی مرکب از پزشکان، حقوق دانان و وکلای بین‌المللی و خبرنگاران خارجی تأکید می‌ورزند با این حال، واکنش رهبران ج ۱۰ و مأموران سفارتی آنان جز بی‌اعتنائی و سکوت تأیید آمیز بر آنچه رییدادگاههای حکومتی می‌گذرد، چیزی جز دیگری نیست و واکنشی قاری از هر گونه احساس مسئولیت، منطقی و اخلاقی انسانی... به گوشه‌ای از این اعتراضات گسترده توجه کنید:

دانمارک

اتحادیه سوسیالیستهای دانمارک، ضمن مخابره تلگرامی، خطاب به رئیس مجلس شورای اسلامی، تشکیل دادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن‌دوست و فعالین حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده، آنها را مغایر با قانون اساسی ج ۱۰ دانسته است.



آذر (روزنامه لند و فالک، ارگان حزب کمونیست دانمارک متن کامل بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران در رابطه با تشکیل دادگاه‌های در بسته نظامی در ایران به چاپ رسیده است همین روزنامه، در تاریخ ۱۵ دسامبر (۲۴ آذر) طی مقاله‌ای، پس از اشاره به برگزاری جلسات غیر علنی محاکمات، زمینه تدارک این توطئه شوم و شکنجه‌هایی که متهمین ماهها تحمل کرده‌اند، به تفصیل توضیح داده شده و به ویژه مغشوش بودن

با گسترش موج همبستگی بین‌المللی جان زندانیان سیاسی مترقی و ضد امپریالیست ایران را نجات دهیم

اعتراضات کارگران اوج می گیرد!

فریاد اعتراض در هر گوشه‌ای از میهن ما بلند است. بحرانی که سیاستهای ضد مردمی رژیم ج ۱۰ در کشور ایجاد کرده است چنان عمیق، شدید و گسترده است که هیچ قشر و گروهی از مردم زحمتکش ما را بی نصیب نمی‌گذارد. همین چندی پیش بود که رهبران ج ۱۰ در اندیشه های مانیخولیایی خود بر برج فاج می‌نشستند و بر تمام جهان فرمان می‌راندند! آنها به این خیال بودند که با تبلیغات گویزن مایانه، خواهند توانست مدتی طولانی مردم را بفریبند. ولی این آنها بودند که مردم را شناخته بودند. به همین دلیل تازیانه واقعات هر روز ضربه تازه‌ای بر پیکرشان وارد می‌آورد.

میهن ما در ماههای اخیر، شاهد نمونه‌های

دستمزد از سوی کارگران، مطرح بوده و در برخی کارخانجات کارگران موفق شده‌اند این خواست خود را به کارفرمایان تحمیل کنند. کارگران کارخانجات دیگر نیز در پی تحقق این خواست خود هستند و در این رابطه درگیری‌هایی نیز رخ داده است. (کیهان ۶۲/۱۰/۸)

— خواست اضافه دستمزد و مزایا و برخی خواستهای صنفی دیگر، توسط کارگران کارخانجات ایران ناسیونال (ایران خودرو) چنان دامنه‌ای گرفته است، که وزیر کار در کارخانه حضور یافته و اعلام کرده است:

"انقلاب اسلامی بی‌نظمی، ولنگاری و افزون طلبی را تحمل نمی‌کند" (اطلاعات ۶۲/۷/۱۹)

— در جلسه کانون هماهنگی شوراها

پاسداران قرار گرفت و طبق اخبار رسیده، دستگیری دهها نفر از کارگران که در زندان اوین به بند کشیده شدند، انجامید. . . .

و این تنها گوشه کوچکی از اوج گیری فریاد اعتراض کارگران است. سیاستهای بحران‌افزا رژیم ج ۱۰ کارگران را از همه سو احاطه کرده است.

در شرایط فشار روز افزون اقتصادی، حالی که کارگران و زحمتکشان ایران هر روز شاهد جهش قیمت‌ها هستند، در حالیکه با یک تصمیم مسئولان استان آذربایجان شرقی قیمت گوشت گوسفند از کیلویی ۵۰ تومان به کیلویی ۸۵ تومان می‌چسبد و دولت با سیاست‌های تورم زای خود، بیش از پیش به عامل افزایش قیمت‌ها بدل می‌



بسیاری از اعتراضات توده‌های مردم بوده است. تظاهرات افسریه به علت قطع آب، تظاهرات تهران علیه سیاستهای ضد افغانی رژیم، تظاهرات شیراز علیه زنان و مردانه کردن اتوبوس، اعتراضات گسترده ضد جنگ در شهرهای مختلف و تظاهرات هر روزه دهقانان زحمتکش علیه سیاست تخریب هر چه بیشتر اقتصاد کشاورزی و . . .

در این میان اعتراضات کارگران ایران بیش از پیش اوج می‌گیرد. طبقه کارگر ایران، که در تمامی تظاهرات و اعتراضات توده‌ای در کنار دیگر زحمتکشان شرکت دارد، اکنون با خواست‌های مستقل خود وارد صحنه مبارزه می‌شود.

علی‌رغم تلاش مأموران ج ۱۰ در جلوگیری از نشنیدن اخبار در روزنامه‌های "اربعه" و "علی‌رغم دستور صریح رئیس‌جمهور مبنی بر اینکه "تمام حقایق را به مردم نباید گفت"، خبرهایی که از گوشه و کنار درز پیدا می‌کند حاکی از اقدامات اعتراضی کارگران است:

— وزیر صنایع به هنگام بازدید از کارخانجات قزوین تأکید کرد که خواست افزایش

اسلامی ناحیه جاده" مخصوص کرج اعلام شد که در کارخانه کاتر پیلا درگیری بوده است.

— کارگران مبارز کارخانه چیت تهران به نشانه اعتراض به اخراج عدای از فعالین شورای کارخانه دست به اعتصاب ۲۴ ساعته می‌زنند و موفق می‌شوند خواست خود را به مسئولین بقبولانند.

— اعتراض کارگران در بسیاری از کارخانجات به اعتصاب و توقف کار می‌انجامد. به گفته وزیر کار: "بعضی از بירداران انجمن‌ها آنقدر اصرار می‌کنند که نظم را به هم می‌زنند و موجب توقف کار می‌شوند".

— در کارخانه نیسرو پارس نیز کارکنان خواستهای اضافه دستمزد داشته و مسئله تا پدناجا پیش‌رفت که کمالی مجبور به حضور در کارخانه و بحث پیرامون مسائل کارگری شده است. (ج ۶۲/۸/۱۷)

— در اواسط ماه دی در کارخانه دخانیات تهران، کارگران در اعتراض به تقلیل دستمزد و طولانی کردن زمان کار، به تحصن در کارخانه دست زدند. این حرکت اعتراضی، مورد یسورش

شود، در این شرایط، خواست اضافه دستمزد و مزایا یکی از خواستهای محوری جنبش مطالباتی کارگران می‌گردد.

کارگران در این مورد بارها و بارها از طریق نمایندگان خود به مناسبت‌های مختلف، با ارسال نامه‌ها و طومارها خواست به حق خود را مطرح کرده‌اند. ولی مسئولان مملکتی همواره با وعده و وعید آنها را سرد واندانند. اکنون دیگر کارگران نمی‌توانند به این مسئولان اعتماد کنند و نه در انتظار قول و قرارهای آنها بمانند. زیرا مسئولین وزارت کار صریحاً امکان هرگونه اضافه دستمزدی را در سال آینده منتفی کرده‌اند.

کمال گنجهای معاون وزارت کار و امور اجتماعی، در یک مصاحبه مطبوعاتی در شیراز گفت:

"چون افزایش دستمزد تورم می‌آورد و در پالافتن قدرت خرید مردم موثر و تحمیل به افراد مستضعف است، بدین جهت در شورای عالی کار با افزایش دستمزد مخالفت می‌شود" (کیهان ۶۲/۱۰/۱۳)

بقیه در صفحه ۱۱

راه حل‌های بحران زابرای رفع بحران

بقیه از صفحه ۱
ارائه می‌دهند:

" امر مستضعفین اصلاح نمی‌شود مگر به اصلاح امر سرمایه‌دارها. راهی برای حمایت از محرومان و مستضعفان نیست، مگر برگشت احکام اسلام و به دور ریختن بدعت‌ها از قبیل قیمت گذاری و سهمیه بندی ۰۰۰ و قانون‌های خلاف شرح مجلس طاغوت و شورای انقلاب ۰۰۰ (رجب علی طاهری نماینده کازرون - اطلاعات ۹ آبان ۶۲) "

" باید مردم را ۰۰۰ مطمئن ساخت کسبه مالکیت مشروع در ج ۰۱۰ محترم است " تا سرمایه های سرگردان " جذب تولید شوند (محسن مجتهد شیبتری - نماینده تهران - از سردمداران حزب ج ۰۱۰، اطلاعات ۱۷ دی ۶۲) "

یکی دیگر از سردمداران ج ۰۱۰ در حالی که اعتراف می‌کند:

" سیستم اقتصادی فعلی ما، سیستم موروثی اقتصاد وابسته رژیم گذشته است " راه حل را در ادامه همین راه، به کمک برنامه‌های پنج ساله و ده ساله از طراز برنامه‌های کنونی دولت می‌داند (هادی خامنه‌ای - اطلاعات همانجا) که چنانکه می‌دانیم جز ادامه کاری این اقتصاد وابسته از محتوای دیگری برخوردار نیست "

نماینده نائین، از حجتیه گرایان مشهور، ضمن انتقاد از نارسایی‌ها و ناتوانی‌های دولت، چاره را در " رفع محدودیت‌های سرمایه‌گذاری تولیدی بخش خصوصی و ایجاد عوامل مشوق لازم

در این زمینه "، کاهش سرمایه‌گذاری‌های عمرانی دولت "، کاهش " خدمات رایگان و پرداخت سوسیدهای آشکار و پنهان " می‌بیند (طیب - کیهان ۱۷ دی ۶۲) "

به عبارت دیگر با بی‌شمی تمام راه برون رفت از بحران را، افزایش استثمار و فقر زحمتکشان و تشدید غارتگری سرمایه‌داران می‌داند "

در شرایط تسلط دم افزون کلان سرمایه - داران و بزرگ مالکان بر حاکمیت ج ۰۱۰، دولت بیش از پیش به ابزار سخنگوی منافع آنان تبدیل می‌شود. پروروکرات‌های غرب‌گرا که اهرم‌های اصلی دولت ج ۰۱۰ را در اختیار دارند، بسا اجرای رهنمودهای نمایندگان و مدافعان سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ، هر روز حق - السکوت تازه‌ای به غارتگران مردم می‌پردازند. آخرین اقدام دولت که از اهمیت اقتصادی

برخوردار است، تسلیم لایحه معافیت درآمد‌های حاصل از کشاورزی از مالیات به مجلس است. بنابر این لایحه که کلیات آن در شماره اول به تصویب مجلس رسید، " درآمد حاصل از کلیه فعالیت‌های کشاورزی از اول سال ۶۲ تا ۳۰ ساله مدت ۵ سال از پرداخت مالیات بر درآمد معاف می‌شوند " (کیهان - ۱۲ دی ۶۲) "

بنا به این تصمیم، بحران حاکم بر اقتصاد کشاورزی ایران، کاهش تولیدات کشاورزی و افزایش واردات محصولات کشاورزی از جمله واردات ۶/۵ میلیون تن گندم، یعنی بیش از

تحصن در کارخانه و خانیاات تهران

کارگران متحصن حمله بردند. کارگران بی دفاع، همچنان به مقاومت پرداختند. پاسداران مسلح که هر اعتراضی را با قنداق تفنگ پاسخ می‌گفتند، با دستگیری ۴۵ تن از کارگران متحصن، سرانجام، تحصن کارگران را منهدم هم شکستند. این کارگران یک راست، روانه بازداشتگاه اوین شدند.

سردمداران ج ۰۱۰، که با پیگیری سیاست خیانت به منافع مردم، خود در ایجاد وضع نا - بسامان اقتصادی برای زحمتکشان، افزایش تورم، دامن زدن به احتکار و گرانی و محروم ساختن کارگران از ابتدائی ترین حقوق طبیعی، صنفی و سیاسی، زمینه عینی اعتراضات برحق آنان را فراهم آورده‌اند، تنها راه پاسخگویی به خواست کارگران را در به کارگیری خشن " زور و سر نیزه " و بازداشتن دست‌جمعی می‌بینند. این شیوه " آریامهری " که کارگران در سال‌های مبارزه با طاغوت، با تشکل و یکپارچگی خود آن را بی اثر ساختند، شاید برای مدت کوتاهی کارآیی داشته باشد، اما در فردائی که همکاران، باید جان خریدن تضییقاتی بیش از زور و سرنیزه و بازداشت، باز هم خواسته‌های برحق خود را مطرح می‌کنند، حاکمان ج ۰۱۰ چه پاسخی دارند؟! "

دامنه ابراز نارضایتی‌ها و اعتراضات کارگران در هفته‌های اخیر گسترده شده است. در پی اعتراضات به حق کارگران در قزوین و رشت و دیگر شهرهای ایران، این بار کارگران دختانیسات تهران در اواسط ماه جاری دست به تحصن زدند. کارگران به انگیزه دستیابی به خواست‌های برحق خود، به افزایش ساعات کار در این کارخانه اعتراض کردند و بعد لیل عدم افزایش دستمزد که بیش از سه سال است ثابت مانده، دست از کار کشیدند و در محیط کارخانه به تحصن نشستند.

به رغم کوشش‌های مذبوحانه مدبردختانیات نمایندگان وزارت کار و " انجمن اسلامی " این کارخانه در جهت شکستن تحصن و پایان دادن به اعتراضات آنان، کارگران همچنان بر خواست‌های خود پافشاری کردند.

کارگران متحصن، از اینکه برای شنیدن درد های آنان " گوش شنوایی نیست " به اعتراض برخاستند. یکی از کارگران می‌گفت:

" به ما ثابت شده، از این حکومت هم باید حقمان را به زور بگیریم "

با ادامه و گسترش اعتراضات کارگران، طبق معمول پاسداران مسلح و مأمورین انتظامی - بسیج، وارد صحن کارخانه شدند و با خشونت به

۲/۵ برابر واردات گندم در زمان شاه و خانه‌خرایی و مهاجرت گسترده روستائیان به شهرهاست. اما تدابیر اندیشیده " دولت خدمتگزار مستضعفان "، جز به کار تشویق زمین‌داران - و باغ‌داران بزرگ و صاحبان دام‌داری‌های بزرگ نمی‌آید. مالیات عمده‌ای که بیش از ده میلیون روستایی بی‌زمین و کم‌زمین ایران می‌پردازند، مالیات غیر مستقیم است که کما فی السابق ناگزیر از پرداخت آن خواهند بود. بخشودگی مالیات بر درآمد کشاورزی در اساس شامل حال زمین - داران بزرگ می‌شود. تصویب این لایحه تضمینی در جهت ازدیاد درآمد آنان و تشویق

" سرمایه‌های سرگردان " به کشاورزی و تصرف زمین‌های هرچه وسیع تر به وسیله زمین‌داران و سرمایه‌داران است. امری که چنانکه تجربه آریامهری نشان داد، به خانه‌خرایی باز هم بیشتر دهقانان خواهد انجامید.

کارنامه دولت مدافع سرمایه‌داری وابسته ج ۰۱۰، مشحون از این تدابیر است. برای رفع بحران به راه حل‌های بحران‌زا روی می‌آورد و بحران اجتماعی - اقتصادی حاکم بر میهن ما را تشدید می‌کند.

رویدادهای سیاسی حاکی از آن است که ارتجاع حاکم بر میهن ما، سران دارد راهی را که در بیست آغاز کرده تا پایان ببیند. مهم - ترین رویداد سیاسی هفته‌های اخیر، سخنرانی آیت‌الله خمینی در جمع رهبران اقتصادی و سیاسی بازار تهران بود. در جمع بازاریانی که به عنوان نزول " وجوه شرعی‌ای " که در سال‌های مبارزه با شاه پرداخته‌اند، خواهند تاراج جاودانی دسترنج مردم محروم هستند و به آنچه که تا کنون کسب کرده‌اند، به هیچ‌رو قانع نیستند. آیت‌الله خمینی در این سخنرانی تاریخی نشان داد که قصد آن دارد آتش را با پاشیدن نفت بر آن خاموش کند:

" اگر در مجلس آینده يك قدم عقب نشینی کنید، در آینده نزدیک ما را کنار خواهند گذاشت. شما بازارها را بیدار کنید تا در تهران و سایر جاها اشخاصی را به مجلس بیآورند تا مجلس آینده ما از مجلس فعلی بهتر باشد " (سخنرانی آیت‌الله خمینی در جمع بازاریان - جراید)

بدینسان تغییر قطعی تناسب نیروها به سود سرمایه‌داران و زمین‌داران پینوسرگ در حاکمیت در دستور روز قرار گرفته است. امری که بدون شک به گسترش بحران در پائین در میان توده‌ها خواهد انجامید.

تجربه همه انقلاب‌های رهائی بخش در دوران ما نشان می‌دهد که با در پیش گرفتن راه وابستگی آفرین سرمایه‌داری در این کشور، همتا دستیابی به هیچ يك از آماج‌های انقلاب ممکن نیست. راه سرمایه‌داری در کشورهای استعمار - زده، راه فرورفتن در باتلاق بحران تحقق‌یابنده اجتماعی - اقتصادی و سیاسی و انباشت مواد منفجره برآمدهای انقلابی نوین در آنهاست. حاکمیت ج ۰۱۰، با انتخاب ناگزیر و روز افزون راه حل‌های بحران‌زا برای رفع بحران، مصداق دیگری برای این قانونمدی است.

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و...

بقیه از صفحه ۳

سوی نهاد های معتبر حقوقی بین المللی انجام گیرد .

فرانسه

سند بیانیته ژوت (کنفدراسیون عمومی کار) در لیون ، تلگرامی به تاریخ ۳۰ دسامبر (۲۵ دی) به سفارت ج ۱۰۱۰ در پاریس مخابره کرده که طی آن نگرانی شدید خود را در باره سرنوشت میهن دوستانی که در دادگاه هلی نظامی درسته محاکمه می شوند ، ابراز داشته و خواستار رعایت حقوق آنان و برگزاری جلسات محاکمات به صورت علنی و با حضور ناظران بین المللی گردیده است .

● روزنامه های مترقی تولوز - فرانسه ، در ارتباط با خبر برگزاری دادگاه های نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، بیه انتشار گزارشاتی در این باره دست زد هاند . از جمله روزنامه " دپش " ، اعلامیه کمیته بین المللی دفاع از زندانیان دمکرات ایران را چاپ و ضمن مطرح کردن اهداف کمیته و لزوم حمایت از آن ، به خاطر نجات جان زندانیان ، آدرس کمیته دفاع از زندانیان توده های در تولوز را در اختیار خوانندگان نشریه قرار داده است .

آلمان فدرال

انجمن هواداران صلح آلمان ، سازمان ضد فاشیست ها و کسانی که تحت پیگرد نازی ها قرار داشتند ، حزب کمونیست آلمان ، فدراسیون اتحادیه های کارگران تریه در آلمان فدرال ، اتحادیه دانشجویان مارکسیست ، جوانان کارگر سوسیالیست و کمیته زنان دمکرات شهر نورنبرگ ، طی امضای بیانیه ای ، نسبت به رویداد های اخیر ایران ابراز نگرانی نموده و ضمن محکوم کردن رفتار وحشیانه رژیم ج ۱۰۱۰ در قبال دگر - اندیشان ، به ویژه سرکوب حزب توده ایران و بازداشت و شکنجه هزاران تن از اعضا و پریائی دادگاه های نظامی علیه آنان ، پشتیبانی کامل خود را از جنبش همبستگی جهانی با زندانیان تود های و کلیه دمکرات های در بند کشور ما اعلام کرده اند . این سازمانها ، همچنین تشکیل جلسات محاکمه به صورت علنی و با شرکت ناظران بین المللی ، بررسی وضع زندانیان توسط هیأتی مرکب از پزشکان و حقوقدانان و آزادی کلیه زندانیان سیاسی مترقی را خواستار شده اند .

● سند یکای " علم و آموزش " آلمان فدرال ، در تاریخ ۷ دسامبر (۱۶ آذر) ، در رابطه با برگزاری دادگاه های درسته نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، اعتراض نامه ای به سفارت ج ۱۰۱۰ ارسال و طی آن متذکر شده است که به جای بازداشت ، شکنجه و تشکیل جلسات محاکمه غیر علنی برای دگر - اندیشان ، باید با آنها رفتار انسانی داشت و حقوق قانونی ایشان را رعایت کرد . سند یکا ، توجه مسئولین حکومتی ایران را به این امر جلب می کند ، از آنجا که این سند یکا ، در بر گیرنده بقیه در صفحه ۷

شکنجه آنان می دانیم . چنین اعمالی ، ناقض اصول آزادی و عدالت است .
حکومت ایران را به آزادی فوری کلیه زندانیان سیاسی مترقی و تشکیل جلسات علنی محاکمات مطابق موازین بین المللی برای آنان فرا می خوانیم ، تا متهمان امکان آزاد دفاع از خود در برابر ناظران بین المللی را داشته باشند .
ما همچنین می خواهیم که مسئولین حکومتی



ج ۱۰۱۰ به گروهی از پزشکان اجازه دهند به ایران مسافرت کرده ، وضع زندانیان را از نزدیک بررسی و مراقبتهای پزشکی لازم را در مورد آنان به عمل آورند .

● انجمن " دوستان آمریکائی انقلاب ایران " پس از اعلام خبر برگزاری دادگاه های درسته نظامی در تهران ، نامه ای به تاریخ ۲۸ نوامبر (۷ آذر) ، خطاب به نمایندگی دائمی ج ۱۰۱۰ در سازمان ملل ارسال داشته و طی آن به مسئله اهمیت که محاکمه اعضای حزب توده ایران برای افکار عمومی مترقی بین المللی دارد ، اشاره کرده اند و ضمن جلب توجه مقامات حکومتی ایران نسبت به خواست این محافل ، مبنی بر نجات جان زندانیان و آزادی آنان ، خواسته اند که محاکمات به صورت علنی و با شرکت ناظرانسی از

مشکل از پزشکان و حقوقدانان به میهن ما جهت بررسی وضع زندانیان از نزدیک ، تأکید ورزید هاند .
" راه توده " ضمن ابراز قدر دانی از همبستگی این افراد و سازمانها و طلب پوزش از عدم امکان درج کلیه نامها و پیامها ، به بخشی از اسامی آنان را منتشر می سازد .

● اتحادیه ملی علیه ستم نژادی و تزییقات سیاسی در شمال کالیفرنیا ● اتحادیه عمومی دانشجویان فلسطین در سانفرانسیسکو ● کمیته دوستی ایالات متحده آمریکا و جمهوری دمکراتیک آلمان ● کارکنان نشریه " پیپلز ورلد (دنیای مردم) ● دکتر ویلیام آیزمن ، دبیر انجمن دوستی ویتنام و آمریکا ● پرفسور چارلز درک هلیور استاد علوم سیاسی دانشگاه استانفورد در کالیفرنیا ● پرفسور جان کلی ، استاد ریاضیات در دانشگاه برکلی ● خانم بینگ کلی ، یکی از شخصیت های مترقی و با نام شهر برکلی ● پرفسور چارلز استاین ، استاد آمار دانشگاه استانفورد ● پرفسور ریچموند ژیرو ، استاد دانشگاه استانفورد .

● در شماره ۱۴ دسامبر (۲۳ آذر) " دلیلی ورلد " ، ارگان حزب کمونیست آمریکا ، متن کامل بیانیه کمیته مرکزی حزب توده ایران به تاریخ ۷ دسامبر (۱۶ آذر) ، مربوط به برپائی بیدادگاه های نظامی علیه افسران میهن دوست و اعضای حزب توده ایران ، به چاپ رسیده است .

● سازمانهای زیر در آمریکا ، طی مخابره تلگرامی به مقامات مسئول ج ۱۰۱۰ ، پیگرد ، شکنجه و محاکمه اعضای حزب توده ایران و افسران میهن دوست را در دادگاه های درسته نظامی محکوم کرده ، به رسمیت شناختن حقوق قانونی این افراد ، منع پیگرد و قطع شکنجه و برگزاری محاکمات به صورت علنی ، با شرکت ناظران بین المللی را خواستار شده اند .
● سازمان " پیسج علیه جنگ " ، شورای صلح ایالات متحده آمریکا و کمیته همبستگی با شیلی در این کشور .

● هیأت مدیره اتحادیه متخصصین بهداشت عمومی ، عضو " اتحادیه ملی کارکنان بیمارستانها و مراقبت های درمانی " ، در رابطه با بازداشت و شکنجه اعضای حزب توده ایران ، قطعنامه ای صادر و متن آنرا برای دفتر حفاظت منافع ایران (سفارت الجزایر - واشنگتن) و نمایندگی دائمی ج ۱۰۱۰ در سازمان ملل متحد ارسال داشته و طی نامه جداگانه ای ، عطف به قطعنامه مصوبه نگرانی شدید کارکنان این اتحادیه را نسبت به اعمال بی رویه حکومت ایران در مورد کلیه دگراندیشان و مبارزان راه آزادی ایران ، ابراز نموده است .

در بخشی از این قطعنامه آمده است :
" با اطلاع از آنچه که امروز مبارزین تود های و سایر دمکرات ها در ایران می رود ، خود را موظف به محکوم شمردن رفتار وحشیانه ماورین حکومتی ج ۱۰۱۰ در قبال مخالفین سیاسی و پیگرد ، تعقیب ، بازداشت و

احزاب، سازمانها و محافل دمکراتیک و . . .

بقیه از صفحه ۶

آموزگاران و مسئولین علمی و فرهنگی و کارشناسان امور تربیتی است و سندیکا برای کودکان و نوجوانان، مسأله آشنائی با فرهنگ و آداب و رسوم ملل غیر را به عنوان یکی از برنامه‌های آموزشی تعیین نموده است، شرح آنچه که امسروز در ایران می‌گذرد، به جز مخدوش کردن چهره حکومت ج ۱۰، نتایجی نخواهد داشت و برای مسردم ایران نیز این گونه اعمال روشها با مخالفین سیاسی، قابل قبول و خوش آیند نیست.

سندیکا، سپس تأکید کرده است که دادگاهها تودهایها، باید طبق موازین حقوقی و با شرکت ناظران بین‌المللی باشد؛ موارد اتهام و مسدود کردن مربوط به آن تحت شرایط دادگاه علمی به اطلاع همگان برسد و متهمان اجازه دفاع از خود داشته باشند.

شعبه سندیکا در شمال برمن نیز نامه‌ای اعتراضی به همین مضمون، به سفارت ج ۱۰ در برن ارسال و تلگرامی به مقامات مسئول حکومتی مخابره نموده است.

● در تاریخ ۱۸ دسامبر (۲۷ آذر)، در مراسم سومین کنگره سازمان جوانان حزب کمونیست یونان که از طرف سازمان در گوتینگن برگزار شد، نمایندگان حزب توده ایران نیز حضور داشتند و جوانان کمونیست یونان ضمن ابلاغ مراتب همبستگی خود با زندانیان تودهای از طریق آنان، قطعنامه‌ای در این مراسم به تصویب رساندند که طی آن مراتب انزجار و تنفر شدید خود را از اعمال وحشیانه مأمورین رژیم ج ۱۰ با اعضای حزب ما و سایر نیروهای ترقی‌گرا در ایران ابراز و درخواستهای مبنی بر تشکیل جلسه محاکمات به صورت علنی، و با حضور ناظران بین‌المللی و بررسی وضع زندانیان توسط کمیسیون از پزشکان و حقوق دانان و آزادی فوری آنسان، تأکید ورزیدند.

● سازمانهای حزب کمونیست ایتالیا و سایر گروهها و نهاد های دمکراتیک این کشور در آلمان فدرال، طی امضای بیانیه و مخابره تلگرام به مقامات مسئول ج ۱۰، نگرانی شدید خود را از جو اختناق، فشار، شکنجه و اعدام علیه نیروهای مترقی در ایران ابراز نموده و به ویژه بر پائی بیدادگاه‌های نظامی علیه اعضای حزب توده ایران را محکوم نموده‌اند. آنان این محاکمات را نقض کامل حقوق انسانی و قضائی دانسته‌اند و دولت ایران را به مراعات موازین بین‌المللی حقوق بشر در مورد متهمان و کلیه زندانیان سیاسی مترقی فرا خوانده‌اند و در این رابطه پشتیبانی کامل خود را از خواستهای محافل دمکراتیک بین‌المللی مبنی بر اعزام هیأتی از پزشکان و حقوقدانان به ایران، جهت بررسی وضع زندانیان، آزادی آنان و قطع فوری دادگاه های نظامی اعلام نموده‌اند.

● فدراسیون حزب کمونیست ایتالیا در کلن
● فدراسیون کارگران مهاجر ایتالیائی و خانواده های آنان در کلن ● دفتر فرهنگی رینا شیتا

● سندیکای کارکنان مدارس، مربوط به کتفدراسیون عمومی کار ایتالیا در کلن ● انجمن مهاجرین ایتالیائی سوسیالیست و خانواده‌های آنان (اوسف) در آلمان فدرال ● فدراسیون کارگران مهاجر ایتالیائی و خانواده‌هایشان در فرانکفورت.

● کمیته اجرائی " اتحادیه صلح آلمان " در ایالت هسن، نامه‌ای به تاریخ ۱۶ دسامبر (۲۵ آذر) به سفارت ج ۱۰ - در برن ارسال داشته و طی آن، برگزاری بیدادگاه‌های نظامی علیه افسران میهن دوست و فعالین حزب توده ایران را شدیداً محکوم کرده و عدم برخورداری متهمان از امکان دفاع از خود را مغایر موازین بین‌المللی دانسته است.

" اتحادیه صلح آلمان " رعایت مفاد سند روح در اعلامیه جهانی حقوق بشر در مورد دگراندیشان و دمکراتها و برقراری آزادی و دمکراسی را در ایران خواستار گردیده است.

● گروهی از روحانیون مسیحی و کارکنان کلیسای شهر برمن، طی مخابره تلگرامی به مقامات حکومتی ج ۱۰، پس از مطرح کردن سوالاتی در این زمینه که چرا اعضای حزب توده ایران، در دادگاه‌های نظامی و بدون حضور ناظران بین‌المللی محاکمه می‌شوند و چگونه است که هزاران دمکرات، صرفاً به جرم داشتن عقاید دیگر، در زندان تحت شکنجه به سر می‌برند، از حکومت ایران خواسته‌اند که به این اعمال خاتمه بخشد.

اسامی محترضین به قرار زیر است:

● برترز باخ ● کرمر ● دانگر ● دورن هوفر
● دروز ● هار ● هارد و ● هرلین ● کروزه ● پرویس
● هارد و ● دیستل ● مایر ● زاورتر ● دکتراول ● فون تسویل تیتز.

● نشریه اوانگلیستها (یکی از شاخه‌های مذهبی مسیحی) در برمن، در شماره ۲۱ دسامبر (۳۰ آذر) خود، ضمن درج خبر فوق مضمون تلگرام را به چاپ رسانده است.

● حزب دمکراتهای سوسیالیست " آلمان فدرال، طی ارسال نامه‌ای به سفارت ج ۱۰ در برن، رویه حکومت ایران در قبال دگراندیشان را به شدت محکوم کرده، تعقیب، بازداشت و شکنجه دمکراتها و کمونیستها را به زیان مردم و انقلاب ایران ارزیابی می‌کند.

بر پائی بیدادگاه‌های نظامی علیه فعالین حزب توده ایران، مورد اعتراض شدیدی دمکرات های سوسیالیست است. آنان خواسته‌اند که کمیسیونی بین‌المللی به کشور ما عزیمت نماید و وضع زندانیان را از نزدیک بررسی کند و کلیه زندانیان سیاسی و مترقی، آزاد گردند.

اسپانیا

در مراسمی که از طرف " حزب ناسیونالیست چپ " در روزهای ۱۷ و ۱۸ دسامبر (۱۲ و ۱۳ دی) در بارسلن برگزار گردید، شرکت کنندگان در مراسم، ضمن بازدید از غرفه حزب توده ایران، یاد دیگر همبستگی آزادبخواهان این شهر را با رفقای در بند ما اعلام داشته، بر پائی محاکمات در بسته نظامی را علیه آنان محکوم کردند.

● " انجمن وکلای جوان " مادرید، طی ارسال نامه‌ای به تاریخ بیستم دسامبر (۲۹ آذر) به سفارت ج ۱۰ در اسپانیا، نگرانی خود را از اطلاع واصله مبنی بر جریان برگزاری دادگاه های نظامی در تهران ابراز نموده است. اعضای انجمن عدم برخورداری متهمین از حق داشتن وکیل مدافع عدم حضور ناظران در دادگاه و " اقرار " متهمان " زیر شکنجه را مغایر موازین بین‌المللی حقوق بشر می‌شمرد و اعلام می‌کند از این رود ولت ایران را به اجرای این موازین موظف می‌داند.

ابراز همبستگی کنگره وحدت کمونیستهای اسپانیا با حزب توده ایران

۲- به هیأتی از پزشکان و حقوق دانسان اجازه داده شود که از زندانیان سیاسی در ایران بازدید به عمل آورده تا از وضع آنان مطلع گردند. در این کنگره، هیأت های مختلفی از سوی احزاب کمونیست و برادر: اتحاد شوروی - بلغارستان - آلمان دمکراتیک - چکسلواکی - مجارستان - آلمان فدرال - یونان - لبنان و حزب توده ایران به عنوان میهمان شرکت داشتند.

● در کنگره حزب کمونیست اسپانیا که در روز های ۱۴ و ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ برگزار شد قطعنامه همبستگی با زندانیان تودهای و دمکرات به تصویب رسید. در این کنگره تصمیم گرفته شد تلگرامی در مورد وضع زنان ایرانی به سفارت ج ۱۰ فرستاده شود.

در کنگره وحدت ۴ حزب و سازمان مارکسیست - لنینیستی اسپانیا که برای " احیای حزب کمونیست اسپانیا " در روزهای ۱۳ تا ۱۵ ژانویه ۱۹۸۴ در مادرید برگزار شد قطعنامه‌ای در پشتیبانی از حزب توده ایران و محکوم ساختن فشار و تضییق موجود در ایران به تصویب رسید. در این قطعنامه آمده است:

" کنگره وحدت کمونیستها به شدیدترین وجهی فشار و تضییق موجود در ایران علیه تودهایها و سایر دمکراتهای انقلابی را محکوم می‌کنند "

کنگره از سفارت ج ۱۰ می‌طلبد:

۱- هر چه سریع تر به اختناق و فشار علیه طبقه کارگر و خلق های ایران پایان داده شود.

تحولات طبقاتی در

راه نوده - برای آشنایی بیشتر خوانندگان خود با جنبش صنعتی و سرمایه داری و حریفان آن در ایران، در جلسه مطالعی به شرح این موضوع پرداخته شد.

سرمایه بزرگ وابسته در کشاورزی، در واحد های بزرگ کشت و صنعت سرمایه های انحصارات امپریالیستی در آمیخته بود. با ملی شدن این تأسیسات، مملکت در برابریان و فراریان و وابستگان رژیم تقریباً از میان برخاسته توقف اجرای قانون اصلاحات ارضی، و با آغاز باز پس دادن زمین ها به زبزرگ، نظام بزرگ مالکی از نابودی نجات یافت.

انقلاب اموال پیمانکاران ساختمانی وابسته به دربار، وزین های شب خانندان پهلوی و وابستگانش را مصادره و ملی کرد. اما بخش بزرگی از زمین خواران و مستغلات داران بزرگ که اموال خود را از رهگذر سفته بازی و بی با آنان به دست آورده بودند باقی ماندند.

به این ترتیب طبقه ضریب جدیدی به سرمایه داری وابسته که در برخی از جمله سرمایه صنعتی بزرگ - به حذف سرمایه داران وابسته انجامید، نظام مالکی و کلان سرمایه داری وابسته از بین نرفت:

"کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، هنوز حیاتی ترین شریان های اقتصاد زندگی مردم را در چنگ خود دارند و زانو وار خون دهها میلیون زحمتکش شده را می مکند. همین وضع منشاء بزرگترین تهدید برای انقلاب است" (حزب توده، ایران صوب ۱۳۶۰ - اسناد پلنوم هفدهم - ص ۱۱۹).

نقش سیاسی زمینداران و سرمایه داران بزرگ وابسته

بزرگ مالکان و کلان سرمایه داران وابسته در خراب کاری های اقتصادی های نخست انقلاب نقش اساسی داشتند. نمایندگان سیاسی قدیمی طبیف سلطنت طلبان به رهبری اوبسی ها، امینی ها، پختیار ها که مستقیماً ز رهبری سازمانهای جاسوسی امپریالیستی عمل می کردند و می کنند، به طور هم دو نقشه اساسی ضد انقلاب را با هدف واحد پیش می بردند:

براندازی: با تدارک کودتای ضد انقلابی (کودتای نژده) و بلواهای ضد انقلابی (بلوای خلق مسلمان در تبریز، بلوای قشقای در فارس)، با هم آ یا دخالت نظامی امپریالیسم (حمله طیس) در ضد براندازی انقلاب بود؛ مسخ: این نیروها با همکاری و هماهنگی نیروهای تسلیم طلب و سازشکار و در رهبری این نیروها به تلاشهای مختلف برای مسخ انقلاب یاری می رسانند. برای نمونه می توان همکاری امیران نظام ها و مقدم مراغای ها با دولت بازگرم همکاری قطب زاده ها و قشقای ها با گروه بنی صدر، همکاری صادق ها و فرد و با حاکمیت کنونی را مثال آورد.

در سال های اخیر انقلاب، بازمانده زمین داران و کلان سرمایه داران واب طی تحولاتی که آنها را بررسی خواهیم کرده، مدافعان و نمایندگان سیاسی نم مندی از میان روحانیون و سیاستمداران مرتجع در حاکمیت ج ۱۰ - دست و پ کردند. امیدواری این بازماندهگان برای تأمین بهترین شرایط برای بازگرم شرکای فراری آنان امروز افزایش یافته است. آنان با تشدید تلاشهای خویش جهت شکست انقلاب، در واقع در این راستا عمل می کنند.

درهم آمیختگی بقایای سرمایه داری وابسته با سرمایه داری

با گذشت نخستین سالهای انقلاب و به ویژه پس از توقف انقلاب در آستان تحولات بنیادی اجتماعی - اقتصادی، بازمانده کلان سرمایه داران و بزرگ مالک پیوند های اقتصادی و سیاسی نوینی برقرار کردند و دامنه فعالیت خود را در عرصه ها گسترش دادند. شاخص تحولات اجتماعی - اقتصادی در این مرحله در هم آمیزی هر چه بیشتر بقایای سرمایه بزرگ وابسته با رشته های گوناگون سرمایه داری بود. این روند در دو محور عمده پیش می رقت:

در زمینه اقتصادی بسیاری از سرمایه داران وابسته، بخشی از دارایی های خود را به تجارت و سرمایه داران وابسته به رژیم به بهای نازل می فروختند، آنان را در بخشی از دارایی های خویش سهیم می کردند. با این ترفند، آنان با سو بقیه دارایی های خویش را از خطر مصادره و ملی کردن حفظ می کردند، و سوی دیگر با استفاده از اعتبار مالی و سیاسی آنان فعالیت های اقتصادی خود گسترش می دادند.

از نظر سیاسی، سرمایه داران و زمین داران بزرگ سخت در تکاپوی آن بودند که با برداخت "وجهه شرمی عقب مانده" به روحانیون بزرگ، دارایی های

در قطعنامه پلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده، ایران آمده است: "اگر در دوران رژیم مخلوع گروه های صنعتی، یعنی قشر فوقانی سرمایه داران و همچنین مالکان بزرگ در پشت نام شاه فرمائروایی می کردند، یا ایجاد جسم صوری اسلامی و حذف گروه های صنعتی، اینک کلان سرمایه داران و به ویژه پیروان تجاری و نیز مالکان بزرگ در مجموع خود در پوشش "موازین شرعی" و به نام "امت مسلمان" حکمروایی می کنند. و جامعه به جای آن که محتوای نوین کسب کند، بسرای حفظ منافع آنان به سوی کهنه ترین شکل سنتی - مذهبی سوق داده می شود. مشخصه عمده موضوع موجود را می توان سیاست حاشور میان طبقات و اقشار و "استعداد" عوام فریبانه از تمام قشرها و طبقات جامعه برای پرده پوشی دفاع از منافع طبقه استثمارگر دانست." (اسناد پلنوم هجدهم - ویژه نامه "راه توده" ص ۷۰).

در توضیح این حکم و نتیجه گیری های سیاسی ناشی از آن، تحولات طبقاتی در جامعه ایران در انقلاب بهمن در جریان پیروزی و ژرفش و سپس روند زوال انقلاب بهمن را بررسی می کنیم.

سرمایه داری وابسته

رژیم شاه، در آخرین سالهای حکومت خویش، از پایگاه اجتماعی محدودی در بخش بالایی سرمایه داری و زمین داری وابسته به امپریالیسم، در پیوند با بقایای قنود الیسم سخت بجان ایران برخوردار بود (ر. ک. به گزارش هیأت اجرایی پلنوم شانزدهم - اسناد و اعلامیه ها صفحات ۸-۹). سرمایه داری وابسته در رژیم شاه، شامل رشته های صنعتی، بانکی، بوروکراتیک، کشاورزی، تجاری و ساختمانی - مستغلاتی بود. پیروزی و گسترش و ژرفش انقلاب بهمن ضریباتی به سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته ایران وارد آورد. این ضریب در برخی رشته ها قوی تر و در رشته های دیگر ضعیف تر بود. بیش از چهار پنجم صنایع بزرگ وابسته ملی شدند و به این ترتیب بخش اعظم سرمایه داری بزرگ صنعتی وابسته از حیثیات اجتماعی - اقتصادی ایران "حذف" شد (گزارش هیأت سیاسی پلنوم هفدهم ص ۲). اما صنعت وابسته ایران هنوز تا استقلال واقعی راه طولانی داشته و دارد. صرف نظر از بقایای سرمایه داران وابسته که هنوز مالک صنایع بزرگ و متوسط بسیاری هستند، بسیاری از صنایع ایران - دولتی یا خصوصی - از نظر تکنولوژی و وسایل یدکی و مواد خام وابسته به بازار جهانی امپریالیستی هستند. بسیاری نمونه ۸۰٪ مواد اولیه صنایع نساجی ملی شده از بازار امپریالیستی تأمین می شود. (سختنراتی مذر قابل سازمان صنایع ملی - کیهان). مهم ترین صنایع دولتی ایران - نفت و پتروشیمی - نیز از این نظر و از نظر بازار فروش در تاروود شبکه انحصارات چند ملیتی امپریالیستی گرفتارند.

با ملی کردن بانک ها و موسسات بیمه پس از پیروزی انقلاب بهمن، به غارتگری انحصارات امپریالیستی و سرمایه داران بزرگ در این رشته ضربه قاطعی وارد آمد. اما خیل سفته بازان و تنزیل خوارانی که در پیرامون سرمایه وابسته بانکسی به فعالیت می برداختند باقی ماندند و البته با محدودیت هایی به ثروت اندوزی انگلی خویش در رابطه با بانکهای دولتی ادامه دادند.

بخش مهمی از قشر بوروکراتیک - نظامی سرمایه داری وابسته از "پاکسازی ها" جان سالم بدر برد و در دستگاه دولتی، به ویژه در نهادهای اقتصادی کلیدی چون سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران و سازمان برنامه و بودجه - نیز در نهادهای اطلاعاتی و سرکوبگر نفوذ بسیار بهم زد. این بخش بعد ها در نوسازی سرمایه داری بوروکراتیک ایران نقش مهمی ایفا کرد. این نکته به جای خود بیشتر بررسی خواهد شد.

سرمایه بزرگ وابسته تجاری - واردکنندگان بزرگ کالا از کشورهای امپریالیستی - کم و بیش دست نخورده باقی ماند. بسیاری از سرمایه داران بزرگ در زمان شاه، در کنار فعالیت تولیدی و بازرگانی داخلی خویش، به بازرگانی خارجی و واردات کسب لا نیز می برداختند. با خارج شدن اکثر اینان از صحنه، واردکنندگان بزرگ کالا از کشورهای سرمایه داری در کنار واردکنندگان نوین کالا، بازاریاران بزرگ و متوسط، به چپاول بی سابقه مردم برداختند.

ایران در انقلاب بهمن

بدون شك با چرخش بیشتر تناسب قوا به سود ارتجاع این روند گسترش بیشتری خواهد یافت .

سرمایه‌داری ملی و سازمانهای سیاسی آن

سرمایه‌داری ملی ایران ، آن بخش از سرمایه‌داری ایران است ، که به طور عمده با تولید و بازار داخلی در ارتباط است . و عملکرد آن به طور عمده تأمین قارت انحصارات امپریالیستی نیست . این بخش به طور عمده سرمایه‌داران متوسط و کوچک - که از نظر کمی اکثریت قاطع سرمایه‌داران ایران در آن جای دارند را در بر می‌گیرد . در دوران شاه عکاس سرمایه‌داری ملی ایران دو ویژگی اساسی داشت . نخست اینکه گسترش وابستگی مجموعه اقتصاد ایران به بازار جهانی امپریالیستی روی بوزروازی ملی ایران نیز تأثیر گذارد . بوزروازی بازار که به طور عمده با تولید و توزیع داخلی پیوند داشت ، کم و بیش واردکننده کالا نیز محسوب می‌شد و به خرید و فروش کالا های امپریالیستی نیز می‌پرداخت . چنانکه گفتم بخش مهمی از صنایع ملی ایران نیز از نظر تکنولوژی ، مواد اولیه و وسایل یدکی به انحصارات امپریالیستی وابسته شدند . این ویژگی پایه اقتصادی گرایش بوزروازی ملی ایران به حفظ پیوند با بازار جهانی امپریالیستی بود .

دوم اینکه به ویژه از سالهای افزایش چشمگیر درآمد نفت ، اعتبارات کلان بانکی دولتی حاصل از تراج چاه‌های نفت ، عمده ترین منبع اثبات سرمایه در ایران محسوب می‌شد . سرمایه‌داری وابسته در حالی که درآمد کلان نفت را به حیث انحصارات امپریالیستی واریز می‌کرد و یا خود به پخما می‌برد ، کمترین سهمی به بوزروازی ملی نمی‌پرداخت ، برعکس با مقررات مالیاتی و ضد گرانفروشی آن را تحت فشار می‌گذاشت . تا علی‌حدید سرمایه‌داران ملّتی بی‌سبب دستیابی به منابع مالی کلان دولتی ، یکی از انگیزه‌های شرکت بوزروازی ملی در انقلاب نبود . چنین بود که نمایندگان سیاسی سرمایه‌داری ملّتی ، بلافاصله پس از دستیابی به حکومت و در اختیار گرفتن اعتبارات مالی و ارزی و نفتی (دولت بازرگان در نخستین ماه‌های پیروزی انقلاب ۵ میلیارد تومان از این محلل به سرمایه‌داران پرداخت) بخت انقلاب را اعلام می‌کردند ، و به سازش با ارتجاع می‌پرداختند .

سرمایه‌تجاری

نام سرمایه‌داری ملی در ایران با نام بازار پیوند دارد ، و واقعیت نیز اینست که در زمان شاه ، به جز بخشی از واردکنندگان بزرگ کالا در بازار که بخشی از لایه تجاری سرمایه‌داری بزرگ وابسته را تشکیل می‌دادند ، اکثریت مطلق سرمایه‌داران بازارهای تهران و شهرهای بزرگ ایران ، به طور عمده با تولید و توزیع داخلی پیوند داشتند . و میدان فعالیت اقتصادی آنان در جریان تسلط انحصارات امپریالیستی بر بازار داخلی ایران ، دم به دم تنگ تر می‌شد .

بخش بالایی سرمایه‌داران بازاری ، طی سالهای افزایش درآمد نفت و گسترش بازار داخلی ، کم و بیش ثروت های هنگفت اندوختند . از این رودر سال های پیش از تشدید بحران اجتماعی - اقتصادی سرمایه‌داری وابسته که به سرنگونی شاه انجامید ، بازاریان بزرگ کمتر مخالفتی با نظام حاکم از خود نشان می‌دادند . اکثر آنان از نظر مذهبی - و بالطبع سیاسی - مقلد آیت الله خویی و آیت الله شریعت‌داری و دیگر مراجع تقلید سازشکار بودند . نماینده آیت الله خویی ، حاج باقر خوانساری ، امام مسجد حاج عزیزالله در قلب بازار تهران ، بخش عمده و جوه شریفه بازار تهران را گرد می‌آورد . این مناسبات اقتصادی پایه روابط سیاسی حسنه بازار با سازمانهای سیاسی - مذهبی حوزه‌های علمیه ، از جمله سازمان سیاسی - پلیسی حجتیه بود . بسیاری از بازاریان بزرگ پرداخت سهم امام به آیت الله خمینی را نیز فراموش نمی‌کردند تا به شیوه " مسرفیه سنتی " هم در دنیا و هم آخرت خویش را حفظ کرده باشند !

بخشی از بازاریان که پیوندهایی با سرمایه‌داران صنعتی ملی نیز داشتند (حاج بابا - مهدیان - توتونچی - لنگرانی - قندی - لباسچی) از دیرباز با نهضت آزادی و جبهه ملی مربوط بودند .

بخشی از سرمایه‌داران متوسط و کوچک بازار ، از آغاز دهه ۴۰ ، مقلد آیت الله خمینی و پیرو خط مشی سیاسی او بودند . بازاریانی که در " هیأت های موقوفه " که ترم منصر نخست وزیر وقت را سازمان داد شرکت داشتند ، سخنگوی این بخش از بقیه در صفحه ۱۴

بوش را " حلال " کنند و پایه حقوقی لازم برای بقای نظام سرمایه‌داری وابسته را ، تصویب نهاد های قانونگزاری برسانند .

در بحبوحه انقلاب گروه کثیری از آنان راهی پاریس شدند تا با پرداخت وجوه دن از آیت الله خمینی تأییدیه بگیرند . آیت الله خمینی چنانکه بعد ها خود گفت ، آنان را نپذیرفت ، اما اقدامی نیز برای معانعت از این کار به عمل نیاورد . روحانیون بزرگی که آماده پذیرش این غارتگران وابسته و " نواسلام " بودند ، کم نبودند . تا جایی که بعد ها این ترغیب ضد انقلابی به رویه رایج بدل شد . به زودی تسلاش بحانیت مرتجع برای فراهم آوردن پایه حقوقی لازم برای حفظ نظام کلان سرمایه‌داری وابسته ، شکل آشکار به خود گرفت . هنگامی که لایحه مصادره اموال سرمایه‌داری فراری در مجلس مطرح بود ، روحانی راستگرای می‌گفت :

" عرض من اینست که اگر طرف خود ش پرود پیش حاکم شرع و طبق احکام شرع دادن اموال نامشروعش خود ش را تطهیر کند (؟) ، این صورت بسیمنار لیست و در گذشته نیز مرسوم بوده است . خوب ۰۰۰ چه بسا میان امسال رامشان ، مال حلال هم باشد " (واعظی نماینده ابهر - اطلاعات ۶۱/۴/۷۰) . در حالی که حتی به اصطلاح دادستانی انقلاب می‌گفت " فراریان به دولت رویند ، به بانک ها مقروضند ، اموال بیت المال را چپال کردند . ارزش زیادی را از لکت خارج کردند " ، مدافعان کلان سرمایه‌داران در مجلس پاسخ می‌دادند :

" مال خودشان را بردماند ، مال مردم را که برنداشتاند " (تحلیل هفتگی زب توده ایران - شماره ۷۶) .

شورای نگهبان کلان سرمایه‌داران ، با رد این لایحه و دفاع حقوقی علنی از آن سرمایه‌داران و بزرگ مالکان وابسته نخستین گام مهم را در تطهیر این نظام موم برداشت .

فرمان ۸ ماده‌ای آیت الله خمینی گام مهم دوم در ابقای قطعی بقایای در حال بد سرمایه‌داری و زمین‌داری وابسته بود . آیت الله خمینی خود در تفسیر فرمان می‌گفت :

" دیگر نباید بگوئیم حال انقلاب است ، نه دیگر حال آرامش است ۰۰۰ حال ن است که مردم مطمئن باشند ۰۰۰ سرمایه‌هایشان را به کار اندازند و نسبت به رایه‌هایشان اطمینان داشته باشند ۰۰۰ و دیگر هیچ کس از آمدن به وطن خود بیاند ۰۰۰ ترسند از اینکه يك وقت سرمایه‌هایشان را بگیرند . خیر ما بسر آن متمم که سرمایه مردم گرفته شود . سرمایه مردم مال خودشان است و آن را به کار ندازند ۰۰۰ و کشور را اداره و تقویت بکنند و دولت هم پشتیبان آنهاست " (ج ۱ - ۳ دیماه ۶۱) .

و این فرمان عفو و دمویت به بازگشت زمین‌داران و سرمایه‌داران وابسته - ری نیز بود . چرخش به راست بهمن گام نهایی در تثبیت روند ضد حمله سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته بود . امروز حضور سرمایه‌داران وابسته با ظاهر اسلامی انقلابی " و بازگشت بزرگ مالکان پدیدمای است که بازتاب گسترده تمامی دارد :

" این آقایان میلیاردها که در زمان شاه تمام کارخانجات و بانک های او را اری می‌کردند ، چه شده است که امروز همه شان تسبیح و سجاده به دست گرفته هوی طرفداری از اسلام عزیز را دارند ، و به علت حاکمیت اینان بر اقتصاد کشور مت که آن وزیر آمریکایی می‌گوید بازار ایران را نباید از دست داد " (کامل مابین ۵ - نماینده خوی - ۱۱ اردیبهشت ۶۸ - اطلاعات) .

" در يك ماه مرخصی مجلس من به حوزه انتخابیه خودم ، در جاهایی که هنوز ان توموبیل به آنجا نرسیده رفتم و دیدم که اربابان گذشته فراری با هندستی هرین انتظامی در حال چیدن قندق و گرد و برای خود هستند . مردم محروم ما با طرش انقلاب به جلو آمده بودند به تدریج می‌ترسند و احساس می‌کنند که آنها تشکل جدیدی می‌خواهند به صحنه سیاست و اقتصاد این مملکت برگردند ۰۰۰ ما گفتم انقلاب به طرفدار سرمایه دار و به طرفدار فئودال است ، چطور چهارسال داز انقلاب با هندستی ارگانهای انتظامی ، فئودالها به منطقه بر می‌گردند و ۱۰ گواه است در ده کورهای که هنوز جاده ندارد ، زنان مردم را به رقص وامی -

زند " (محمدحسینی نیا نماینده رودسر - اطلاعات ۲۳ مهر ۶۲) . هنوز آمار دقیقی از میزان اموال توقیفی بازگردانده شده به سرمایه‌داران و زمین ران بزرگ در دست نیست . آنچه روشن است اینست که این پدیده اهمیتست سکیر اقتصادی و سیاسی دارد . تنها در بنیاد مستضعفان " چهار هزارم" اموال توقیفی به سرمایه‌داران و زمین داران بازگردانده شده است (موسسوی بیلی - صبح آزادگان ۲۸ دی ۶۱) .

جهاد سازندگی در مسلخ ارتجاع

چندی پیش لایحه تبدیل جهاد سازندگی به وزارتخانه از تصویب مجلس گذشت. گفته می - شود به زودی نامزد وزارت این وزارتخانه نیز معرفی خواهد شد. به این ترتیب به زودی یکی از مهم ترین نهاد هایی که در سالهای انقلاب به همت نیروهای انقلابی ساخته شده، در دستگاه دولتی ادغام خواهد شد.

برای اینکه اهداف و نتایج واقعی این اقدام حاکمیت ج ۱۰ را بشناسیم، لازم است نگاهی به سابقه تشکیل جهاد سازندگی و ترکیب نیروهای تشکیل دهنده و نقش آن در تحکیم و گسترش دستاوردهای انقلاب بیفکنیم.

چنانکه می دانیم بورژوازی بوروکراتیک، یکی از ستونهای حکومت ضد مردم می شاه بود. دستگاه اداری عریض و طویل، بدون تحرک و آمیخته به فساد حکومت ستماهی، یکی از عوامل ایجاد نارضایتی مردم بود. پس از انقلاب روشن بود که به کمک چنین دستگاهی نمی توان به بازسازی انقلابی جامعه پرداخت.

بلافاصله پس از انقلاب، رسیدگی به محرومین روستاها، تقسیم زمین زمین داران بزرگ میان دهقانان و ارائه خدمات درمانی و عمرانی و فرهنگی و بهداشتی به روستائیان محروم در دستور روز قرار گرفت. نیروهای انقلابی مختلف از توده های و فدائیان خلق (اکثریت) تا مجاهدین خلق و توده مسلمانان انقلابی، گروه های متعددی در سراسر کشور روانه روستاها کردند. این گروه ها با همیاری مردم و اغلب به کمک یکدیگر، در اجرای وظایف انقلابی، از مصادره زمین های مالکین بزرگ تا راهسازی و لوله کشی روستاها و سوادآموزی به روستائیان یاری می رساندند و اغلب آنان را رهبری و سازماندهی می کردند.

حاکمیت، به زودی فعالیت بخش اعظم این نیروها را به رسمیت شناخت و از گردآوری امکانات همگی آنان، نهاد انقلابی جهاد سازندگی شکل گرفت. شکل گیری این نهاد، فشار و تبحیض و تضییق و تصفیه جهاد سازندگی از نیروهای انقلابی دیگر اندیش نیز آغاز شد. اکثریت قاطع انقلابیون این فشارها را تحمل می کردند و به عشق خدمت به خلق در جهاد باقی می ماندند. اما تیغ پاکسازی های انحصار طلبان و قشربین تنگ نظر تعداد آنها را در جهاد هر روز محدودتر می کرد.

با وجود این جهاد سازندگی همچنان در روستاها نقش انقلابی داشت. توده مسلمانان انقلابی در جهاد سازندگی به ویژه پشتیبان، خواست های دهقانان برای اصلاحات ارضی انقلابی بودند. در هر یک از هیأت های هفت نفره تقسیم زمین ۲۴ نفر از جهادگران شرکت داشتند که بنا بر قاعده، پشتیبان دهقانان بودند. جهادگران در سمینارهای گوناگون از جمله در سمینارهای اصفهان، زنجان، مشهد و

تهران در سال ۶۱، خواهان انجام اصلاحات ارضی انقلابی شدند.

با آغاز جنگ امپریالیستی عراق علیه مپهن ما، وظیفه تدارکاتی و پشتیبانی جنگ نیز به جهاد سازندگی واگذار شد و جهاد نقش چشمگیری در این زمینه ایفا کرد.

هنگامی که پیشروی نیروهای ارتجاع آغاز شد، جهاد سازندگی و هیأت های هفت نفره از آماج های اصلی حملات آنان بودند. عواملی چون آخوندی که کوس رسوائیش در زمینه سو - استفاده مالی در زمان عضویت در شورای مرکزی جهاد در جریان استیضاح وزیر کشور زده شده، تصفیه دگراندیشان را تشدید کردند و پاکسازی جهاد از مسلمانان انقلابی را نیز بدان افزودند.

۱- از این طریق ارتباط جهادگران با توده روستائیان محدود و کنترل می شود. دولت کنترل بیشتری بر هیأت های هفت نفره تقسیم زمین کرد و نفر از آنان از جهاد سازندگی هستند. اگر قرار بر بقای این هیأت ها باشد - پیدا می کند و امکانات حاکمیت برای اعمال فشار به این هیأت ها و به توده دهقانان انقلابی برای تأمین منافذ زمین داران بزرگ افزایش می یابد. در اساس وظیفه وزارتخانه جدید به طور عمده انجام کار های راهسازی و ساختمانی است و این امر خود به خود دخالت در امور ارضی را از محسوده اختیار جهادگران خارج می کند.

۲- در چهار چوب ضوابط اداری و نظم بوروکراتیک با برقراری نظننارت اداره



دهقان محصول را جمع آوری می کنند. دستهای پینه بسته او زحمتها کشیده تا از زمین لمری بیرون کشیده، محصول کار او نمی تواند و نباید مال بزرگسالانک شتمگر باشد. (اطراف فریدون شهر)

حراست و انجمن اسلامی و غیره، می توان بازمانده عناصر انقلابی را شناسایی و آنان را محدود و تصفیه کرد. به کمک این روشهای معمول در ادارات می توان از تجمع مسلمانان انقلابی (که به دنبال پاکسازی از دستگاه های دولتی به جهاد سازندگی روی می آوردند) در این نهاد جلوگیری کرد. و به این ترتیب به تدریج بازمانده نجوهای حق طلبی را در جهاد سرکوب، و آنرا به ارگان دلخواه زمین داران بزرگ تبدیل کرد.

۳- بخش اعظم اقدامات عمرانی جهاد سازندگی در روستاها، با ابتکار انقلابی جهادگران و به کمک همیاری داوطلبانه روستائیان انجام می گرفت. در بودجه جهاد حقوق کارمندان تنها ۲۵٪ جمع بودجه را تشکیل می داد. در ادارات دولتی این رقم به طور متوسط ۳ برابر جهاد است.

با تبدیل جهاد به وزارتخانه، از آنجا که فعالیت های جهاد از نظر مالی تابع ضوابط بقیه در صفحه ۱۵

ادامه ببوده جنگ ایران و عراق بسیاری از جهادگران انقلابی را در کام مرگ فرو برد. و از توان مقاومت جهادگران در برابر راست گرایان کاست.

پس از دفن لایحه اصلاحات ارضی در شورای نگهبان بزرگ مالکان، اینک می بایست بازمانده نجوهای حق طلبانه نیروهای وفادار به آرمان های انقلاب در جهاد سازندگی خاموش شود. و به ویژه ارتباط نزدیک جهادگران انقلابی با توده دهقانان قطع شود. اما این امر به سادگی امکان نداشت. حاکمیت که هنوز

نیازمند عوام فریبی است، به استفاده از شیوه های محیلانه تری برای پیشبرد مقاصد خویش روی می آورد. به ویژه که بسیاری از وابستگان ارتجاع حاکم که در رده های بالایی جهاد سازندگی خزیده بودند، از این محل صاحب آلف و الوفی شده اند که نمی بایست از دست بروند. از این روست که راه حل تبدیل جهاد سازندگی به وزارتخانه به میان می آید:

اعتراضات کارگران اوج می گیرد



تختی، قهرمان مردم!

۱۷ دی سالروز شهادت جهان پهلوان غلام رضا تختی سمبل جوانمردی، رشادت، انسان دوستی و پایمردی است!

روزی که مطبوعات ساواک زده «خبر خود-کشی "جهان پهلوان تختی"، این ورزشکار محبوب مردم را پخش کردند، هیچ کس این دروغ شاهوار را باور نکرد.

غلامرضا تختی، از زمره ورزشکاران ایرانی بود که جاه، مقام و صله‌های دربار پهلوی را با مهر مردم مبادله نکرد و همواره در صف مردم و برای مردم زیست.

در بار پهلوی و دستگاه عریض و طویل ورزشی‌اش چون نتوانست جهان پهلوان را به پام بوسی و چاپلوسی بکشد و چون دید روز به روز بر محبوبیت او افزوده می‌شود، تصمیم به نابودی این راد مرد گرفت. مرگ مرموز تختی، حتی در آن شرایط مرگبار خفقان نیز نتوانست از انتظار مردم پوشیده بماند.

مرگ تختی نه فقط ورزشکاران و علاقمندان به ورزش را متأثر ساخت، بلکه مردم میهن پرست و زحمتکش را در اندوهی عمیق فروبرد. تظاهر این اندوه را می‌توان در سوگ تختی دید. حتی روزنامه اطلاعات تحت سانسور شدید ساواک نیز نتوانست از کنار این حقیقت بگذرد.

" عظمت مراسم هفته شادروان تختی و اندوه مردم تا کنون هرگز سابقه نداشت و تجلی که از قهرمان ملی گردید، خارج از حد معمول و انتظار بود."

تختی همواره الهام بخش همه ورزشکاران شریف و میهن دوست ایرانی است. خاطره اش گرامی باد!

به حق کارگران می‌یابند.
سردمداران ج ۱۰، هرگاه صحبت از تأمین حداقل معیشت کارگران به میان می‌آید، چپسره در هم می‌کشند و ساعت‌ها در مضرات "رفاه طلبی" سخن می‌رانند. در حالی که در همین مدت‌بنا به گفته نماینده نجف‌آباد در مجلس شورا بیش از ۶۰۰ میلیارد تومان، توسط دولت وارد بخش خصوصی شده است. دولت از تسن دادن به اضافه دستمزد ناچیز کارگران که مولد مهم‌ترین ثروتهای این کشورند طفره می‌رود، ولی میلیارد‌ها تومان به جیب دلان بین‌المللی اسلحه می‌ریزد!

خواست اضافه دستمزد کارگران، خواستی است به حق و قانونی. سطح زندگی کارگران لااقل باید حفظ شود و تا زمانی که سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت نتواند تورم را از میان ببرد، باید هر ساله دستمزد کارگران، لااقل با نرخ تورم واقعی افزایش یابد. خطوط برنامه سالم اقتصادی و مالی جهت رهائی از بحران اقتصادی اجتماعی حاکم بر میهن ما را حزب ما

طبقه کارگر با نیروی متشکل خود می‌تواند به خوبی با ارتجاع و عوامل آن مبارزه کرده و با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته، گام‌های محکمی در راه دستیابی به اهداف خود بردارد.

در برنامه و پیشنهاد های مکرر خود ارائه کرده است که می‌تواند توسط يك حکومت مترقی، اساس اقتصاد مستقل و ملی ایران را پی‌ریزی کند. همانگونه که وزیر صنایع در قزوین تأکید کرده است، کارگران در برخی کارخانجات موفق شده‌اند خواست به حق اضافه دستمزد و مزایا را به کارفرماها تحمیل کنند. این واقعیت نشان‌دهنده آنست که طبقه کارگر با نیروی متشکل خود می‌تواند به خوبی با ارتجاع و عوامل آن مبارزه کرده و با تجربه اندوزی از مبارزات گذشته، گام‌های محکمی در راه دستیابی به اهداف خود بردارد. آنان دریافته‌اند که با احیاء و ایجاد تشکل‌های صنفی و مستقل خود - که با یورش سبعمانه ارتجاع و عوامل آن به سازمانهای کارگری و پایداری کردن حقیق کارگران در امر تشکیل نهاد های مستقل، ضربه خورده است - منسجم تر و آگاهانه تر، یارای مقابله با توطئه‌های رژیم را دارند.

مسئله آینده شاهد گسترش و تعمیق هر چه بیشتر مبارزات مطالباتی کارگران در سراسر ایران خواهد بود. آینده نشان خواهد داد که طبقه کارگر ایران با انسجام هر چه بیشتر تشکل های مستقل خود، خواهد توانست گام‌های مهمی در راه بهروزی و استقلال مردم ایران بردارد.

بقیه از صفحه ۴
و این در حالی است که وزیر مشاور و رئیس سازمان برنامه و بودجه، آقای بانکی تورم رسمی را ۲۰٪ اعلام کرده و آنرا قابل قبول دانسته است. البته واضح است که این رقم با واقعیت فاصله بسیاری دارد. کارکنان بانک مرکزی می‌دانند این ارقام رسمی چگونه تهیه می‌شوند. در رژیم شاه افرادی در بانک مرکزی متخصص ساختن رقم مناسب تورم بودند. آنها این ارقام را به گونه‌ای می‌ساختند که هم منطقی به نظر آید و هم خاطر ملوکانه را نیازارد. این افراد هنوز هم در بانک مرکزی وجود دارند، با این تفاوت که اکنون گزارش خود را به آقای بانکی می‌دهند. نرخ واقعی تورم را باید در ویرای ۴۰٪ جستجو کرد. جالب اینجاست که همین رژیم ج ۱۰ هنگامی که با کارگران روبرو می‌شود به کلی هرگونه تورم را منکر است.

کمال گنجهای می‌گوید:

" ما قصد داریم که دستمزد ها را افزایش دهیم. سیاست ما بر اساس ثابت نگاهداشتن قدرت خرید کارگران است."

استدلال مسئولین وزارت کار بر این پایه است که گویا از طریق تقویت تعاونی‌های مصرف و مسکن کارگری می‌توانند مانع افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز کارگران شوند. ولی این حرف آنقدر مسخره است که هم کارگران و هم کسانی که این مسئولان جدید را بر مسند وزارت کار نشانده‌اند به خوبی از محتوای عوام‌فریبانه این سخننان آگاهند. کارگران در این مدت از این گونه وعده‌ها بسیار شنیده‌اند و دریافته‌اند سیلاب یورش کلان سرمایه‌داران بازار، قوی‌تر از آن است که بتوان با این گونه حرف‌های نرم و نازک در مقابل آن قدم علم کرد. به علاوه بر فرض محال، اگر حتی بتوان واقعا تعاونی‌های کارگری را تقویت کرد و جلوی افزایش قیمت‌های اجناس تعاونی‌ها را گرفت، این سوال پیش می‌آید که آیا کارگران تمام ما محتاج خود را تنها از تعاونی‌ها تأمین می‌کنند؟ مگر بخش عظیمی از درآمد کارگران را اجاره خانه و پیشر پرداخت‌های آن نمی‌بلعد؟ آیا مسئولین جدید وزارت کار، می‌توانند تمام کارگران را در ظرف یک سال صاحب خانه کنند؟ ویا بسیاری اقلام دیگر، که قابل دسترسی از طریق تعاونی‌های کارگری نیست.

واقعیت این است که چون مسئولان وزارت کار از مقابله با رشد روز افزون سرمایه‌داری عاجزاند، تنها راه ممکن را در مقابله با خواسته‌های

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

در هفته‌ای که گذشت:

روستائیان، «یکی از علل فساد اخلاقی»

ناطق نوری، وزیر کشور در کیهان ۱۰ دی گفته است:

«یکی از علل فساد اخلاقی، مهاجرت بی‌رویه و بی‌حساب و کتاب روستائیان به شهرهای بزرگ است.»

اینکه سردمداران ج ۱۰، گناه ناپسامانی‌ها و ویرانی‌های اقتصادی - اجتماعی جامعه را به پای مهاجرت روستائیان می‌نویسند آنان را «عامل بی‌آبی، بی‌برقی، بی‌خانگی، بی‌شهرهای بزرگ محرفی می‌کنند، امری عادی است که - از جانب آنان - همواره مورد تأکید قرار گرفته است. ولی اینکه آقای ناطق‌نوری، به یکباره «کشف کند» که آنها عامل «فساد اخلاقی» هم هستند پدیده تازه‌ای است که تنها می‌تواند از کینه‌های طبقاتی نسبت به محرومان جامعه نشأت گرفته باشد.

برای آقای ناطق نوری - و امثالهم که مرتباً از این شهر به آن بخش و از این روستا به آن آبادی سفر می‌کنند تا «نمایندگان» خود را «با اختیارات نخست‌وزیر» به مردم بقبولاند و یک‌قلم به ساکنان پرشمار ۶۵۰۰ روستا پرخاش می‌کنند که بیش از این توقع رفاه و آبادانی نداشته باشند و آنچنان محکم «برمسند قدرت» تکیه زده که با پشتیبانی حامیان اقتصادی خود و عوامل آنان در مجلس از زیر مسئولیت پاسخ گوئی به مردم - رد استیضاح وزیر کشور - شانه خالی می‌کند، البته بی‌کاو علی مهاجرت روستائیان به شهرها فاقد اهمیت است.

ولی آنچه برای آقای نوری و همپالکی‌هایش «بی‌اهمیت» جلوه می‌کند، برای روستائیان محروم و زحمتکش ما کچه خود «علل» - ایمن - مهاجرت را با گوشت و پوست خود لمس کرد ماند و بارها و بارها به شیوه‌های گوناگون آن‌ها را به مسئولین امر گوشزد نموده‌اند، حیاتی و غیر قابل گذشت است.

روزنامه «اطلاعات» دی - تحت عنوان «شکایت از فئودال روستای داشلی‌درق» خبری را با مضمون زیر درج کرده است:

«۱. اهالی روستای داشلی‌درق، از توابع شهرستان گرمی آذربایجان شرقی، طی نامه‌ای به اطلاعات می‌نویسند: قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، فئودال معروف منطقه ما با زور سرنیزه و با حمایت عوامل رژیم منفر گذشته، زمین‌های روستای ما را غصب و کشت می‌کرده تا اینکه پس از پیروزی انقلاب مدتی فراری شد و در حال حاضر دو باره سر و کله‌اش پیدا شده و ۲۰ هکتار زمین‌های جوانه زده ما را زیر و رو کرده و حدود ۶۰ هکتار دیگر را با کمک همدستان سلطنت طلبش زیر کشت برده است. روستائیان داشلی‌درق، در پایان

بقیه در صفحه ۱۲

«حمل و نقل کالا» محدود می‌کرد، کامیون - داران و صاحبان تریلرها و وسایل حمل و نقل، آمادگی خود را به شرکت در این «جهاد» اعلام کردند و «در جهاد تخلیه کالا» نام نوشتند. چهار روزنامه «مجاز تهران»، هر روز از این «جهاد» گزارش می‌دهند.

اطلاعات ۱۰ دی - «حرکت بی‌وقفه» کامیون‌ها و تریلرها، برای تخلیه کالا از بندر - همراه با تصویری گویا با این زیر نویس: «چه مخلصانه و صادقانه بر کتاب آسمانی بوسه می‌زند و بالیک به امامت، از دولت خدمت‌گزار پشتیبانی می‌کند» او می‌رود تا «جبهه‌های دیگر در میهن اسلامی»، در جهاد تخلیه کالا شرکت نماید.

کیهان ۱۷ دی - «تعداد کامیون‌های وارده به بند عباس، روزانه ۵۰۰ دستگاه افزایش یافت ۵۰۰ تا کتون ۵۲۰۰ دستگاه کامیون به بند عباس اعزام و بیش از ۷۸ هزار تن از کالا های مورد نیاز مردم بازرگاری و به نقاط کشور حمل شده است.»

خوست از نوع کالایی که این «جهادگران» حمل می‌کنند هم با خبر شویم:

«از مجموع ۱۳۰۰ کامیون ورودی به بندر عباس، ۴۵۰ دستگاه کامیون گندم، ۳۵۰ دستگاه کامیون انواع خوراک دام (شامل ذرت - جو و ...) ۹۰ کامیون برنج و ۸۰ کامیون کود و ۴۰ کامیون شکر بازرگاری می‌کنند.»

قابل توضیح آنکه، تمامی اقلام فوق‌با واسطه یا بی‌واسطه از امپریالیسم آمریکا و نوچگان آن در منطقه از جمله ترکیه و پاکستان خریداری می‌شود. (رجوع شود به «راه توده» شماره ۷۵) اطلاعات ۱۲ دی، هم سوئی این سیاست را با سیاست رژیم طاغوت به روشنی بازگو کرده است:

«در گذشته استعمار به کمک رژیم طاغوت از یک سو ما را به مصرف زدگی و فساد می‌کشاند و از سوی دیگر مصارف مورد نیاز شهرها را با کالا های وارداتی از غرب تأمین می‌کرد.»

اندک تفاوتی که بین این دو سیاست وجود دارد، همانا اعلام «جهاد» در راه احیای وابستگی است؛ در واقع پس از جهاد در راه ادامه جنگ غیر ضرور به سود امپریالیسم، جهاد در راه بازگرداندن فئودالها به روستاها، جهاد در راه بی‌سوادی - سرپرست روابط عمومی نهضت سواد - آموزی گفته است:

تخذ ادبی سواد بی‌حرفکتگی سربلج رو به رشد است (کیهان ۷ دی - «اینک جهاد در راه احیای وابستگی امری تصادفی نیست!»

جنگ، به سود

ارتجاع ذواتشه حاکم برج ۱۰.

در روزهای اخیر، کنفرانس اسلامی با حضور سران بسیاری از کشورهای اسلامی در مراکش آغاز به کار کرد.

محور اصلی گفتگوها در این کنفرانس، مسئله جنگ بین ایران و عراق و بررسی اوضاع خاورمیانه است.

سردمداران ج ۱۰، قبل از شروع کنفرانس، حکم محکومیت آن را صادر کردند آقای ولایتی در این رابطه می‌گوید:

«با در نظر گرفتن این موضوع که یکی از مسوود مهم دستور کار چهارمین اجلاس سران سازمان کنفرانس اسلامی، رسیدگی به مسئله جنگ ایران و عراق می‌باشد چگونه می‌توان از این کنفرانس انتظار داشت که با احساس مسئولیت و بدون غرض موضع متصفا نه‌ای نسبت به جنگ تحمیلی رژیم عراق یا ایران اتخاذ کند» (اطلاعات ۸ دی ۶۲).

این اولین بار نیست که در مجامع بین‌المللی لزوم پایان دادن به جنگ ایران و عراق مطرح می‌شود. اما رهبران و سردمداران ج ۱۰، به رغم خواست مردم میهن ما، همچنان در بوقهای تبلیغاتی خود، شعار «جنگ، جنگ تا پیروزی» را تکرار می‌کنند. رهبران ج ۱۰ به خوبی می‌دانند در سایه ادامه چنین جنگی است که می‌توانند راه بازگشت امپریالیسم را در میهن ما هموار سازند و تمامی عرصه‌های اقتصادی - اجتماعی - سیاسی کشور را به جولانگاه بی‌حریف سرمایه‌داران بزرگ و کلان زمین داران تبدیل کنند. آنها می‌دانند که با بهره‌گیری از اشراک ویرانگر ناشی از ادامه جنگ و استفاده از آن به عنوان حلقه نجات خود، پایه‌های سرمایه‌داری، به ویژه سرمایه‌داری تجاری را تحکیم می‌بخشند. ادامه این جنگ خانمانسوز تنها پنهان‌های است برای تثبیت هر چه بیشتر نظام غارتگر سرمایه‌داری و در نهایت سرکوب کامل انقلاب که به پهلوی زبان‌های مالی و جانی روز افزونی برای مردم زحمتکش ما تمام می‌شود.

«جهاد»

درواه‌احیای وابستگی!

در پی فرمان انقلاب برانداز آیت‌الله خمینی مبنی بر پشتیبانی همه سویه از بورژوازی تجاری و دعوت آنان به ترک تازی در عرصه قانونگذاری و سیاست که در عین حال تمامی مشکلات و نسا - پسامانی‌های حاکم بر جامعه را در مسئله نحوه

به این جنگ خانمان سوز پایان دهید!

روح قطب زاده در کالبد آقای رفسنجانی

بقیه از صفحه ۱
امپریالیستی در ابعادی گسترده تر و با شدت هر چه بیشتر به کار گرفته شده است .
تجربه انقلاب رهائی بخش میهن ما ، آموزش گرانقدری در باره این ترغیب امپریالیستی برای مردم ، به همراه آورده است . مردم ما هرگز سب فراموش نخواهد کرد که در تاریخچه پرفراز و نشیب انقلاب شکوهمند ما ، در مراحل گوناگون ، تشدید کارزار تبلیغاتی کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی ، همواره پیش درآمد یورش نیروهای ارتجاعی و سازشکار ، برای براندازی و مسخ انقلاب بوده است . مردم ما تجربه قطب زاده و قطب زاده ها را فراموش نخواهند کرد و شاخص اصلی سیاست امپریالیستی " قطب زاده نشان " را که همانا کوفتن بر طبل " شوروی ستیزی " و " کمونیسم ستیزی " برای تأمین منافع امپریالیسم در راه مسخ یا براندازی انقلاب بوده ، هسرگز از یاد نخواهد برد .

بهای جلب پشتیبانی امپریالیسم آمریکا

اما در شرایط جنگ صلیبی امپریالیسم جهانی بر علیه بشریت مترقی ، و در شرایط دشوار کنونی انقلاب ما اوچگیری پیش از پیش کارزار تبلیغاتی - سیاسی ضد تودهای و ضد شوروی ، محتوای تازه ای نیز کسب کرده است . در شرایطی که امپریالیسم جهانی با ننگ شوم و ضد بشری خویش را به پشتوانه ارتش های پیش از پیش مجهز و ناوگانها و سلاحهای هسته ای و کمرسلا

در هفته ای که گذشت:

بقیه از صفحه ۱۲
تا مفسران از مسئولین امر تقاضای رفع شرط دوال روستا و احقاق حق خود را دارند .
به عبارت دیگر ، فتوای الهی فراری با کسک پاسداران رژیم " اسلامی " زمین های جوانه زده " روستائیان را دوباره شخم می زنند به این ترتیب حتی حکم شرعی را هم زیر پا می گذارند ، لاجکی که اعلام می کند ، اگر کسی زمینی را غصب کند و بکارد ، غاصب ، بر نیمی از محصول " حق " دارد . (۰)

ناگفته پیداست که این تنها روستائیان " داشلی درق " نیستند که از اثرات شوم و ویرانگر بازگشت " خان " ها در رنجند . شلتاق های بی رویه و تحت حمایت پاسداران مسلح و مأمورین انتظامی ج ۱۰ ، به مرصه تمام روستاهائی که " مالک " شان با سلام و صلوات و با حکم حاکم شرع بازگشته اند ، در می نوردد . اما ، با این حال ، روستائیان نیز از مقابله با عاملان تیرمروزی و فقر خود باز نمی ایستند و هر روز با شیوه های جدید تری در میدان این نبرد طبقاتی کام می - گذارند . آنها با احکام حکام شرع ، تهدید و زور برق سرنیزه ها و ژ - ۳ پاسداران ، حتی گلوله

هسته ای ، با طنینی تهدید آمیز تر از همیشه سر داده است ، و در شرایطی که ارتجاع حاکم بر ایران ، برای پیشبرد سیاست های ضد خلقی - شوونیستی خویش ، نیاز هرچه بیشتری به جلب پشتیبانی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا دارد ، هم آوایی با این دهان خون آلود از سوی سردمداران ج ۱۰ ، معنای سیاسی ویژه ای نیز پیدا می کند . این هم آوایی ها در واقع پیام رمزی است که به ستاد ارتجاع جهانی مخابره می شود . پیام رمزی با این مضمون :

" دوستان ! ما هم هستیم و آمادگی هرچه بیشتری برای همکاری با شما ، در راستای برآورد منافع شما داریم ! "

آقای هاشمی رفسنجانی ، به دنبال صاحب کذایی خویش با مجله کویتی " صوت الخلیج " که طی آن آشکارا خواهان اعلام آمادگی قدرتهای امپریالیستی برای فروش سلاح های استراتژیک به ج ۱۰ شد ، هفته گذشته در نماز جمعه تهران از جمله گفت :

" وقتی افسران روس را در افغانستان به قتل می رسانند ، ما شادی می کنیم ! "

مضمون اصلی این سخنان چندان ترازه نیست . سردمداران ج ۱۰ ، بارها این مضمون را در قالب های دیپلماتیک تر بیان کرده اند . اما صراحت تکان دهنده این سخنان در شرایط بسیار حساس بین المللی و داخلی کنونی ، به همان اندازه که تازه است اهمیت سیاسی دارد .

هایی که بیکرشان را به خاک و خون می کشند ، مرعوب نمی شوند .

در آن سوی مرز ، روستاها به نور کفر ، روشن و این سو ...؟!!

کتر شمارهای از روزنامه و مجلات کلیشهای و زیر سانسور ج ۱۰ را می توان یافت که از گزارشات سراسر دروغ و مغرضانه در مورد زندگی اقتصادی - اجتماعی کشور شوراها ، اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سیاه نشده باشد . در این گزارشات از فقر ، کمبود کالاها ، رنجی که مردم از نبود " گندم " می برند و ... صحبت می شود . این سیاست خصومت آمیز نه تنها به منظور همنوایی یا جنگ صلیبی شوروی ستیزانه ای است که امپریالیسم ، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا به راه انداخته ، بلکه در جهت توجیه ناپسامانی ها و سرپوش گذاشتن بر اقدامات خیانت بار سردمداران ج ۱۰ نیز دنبال می شود . زمامداران ج ۱۰ ، از فرط " خرابی اوضاع " در اتحاد جماهیر شوروی به این نتیجه می رسند ، که وجود " خرابی اوضاع " در کشور ما نیز امری طبیعی است و به این ترتیب ، مردم نباید افسوس خصوصیات " رفاه طلبانه " خود را رها کنند ! اما واقعیت چیست؟! از خلال گفته های نمایندگان مجلس آن را دریابیم :

امروز ارتجاع حاکم بر ج ۱۰ با اصرار و ابرام مکرر در مکرر خواستار حسن نظر بیشتر امپریالیسم نسبت به خویش است . سردمداران ج ۱۰ در برابر حضور رزمناوهای آمریکایی در دهانه تنگه هرمز و در برابر تهدید هسته ای امپریالیسم نسبت به میهن ما ، سکوتی پر معنا پیشه کرده اند . آنان هر روز تردستی خود را در قریبانی کردن اصیل - ترس گردان های انقلابیون ایران پیش پای بازگشت امپریالیسم در بوق و کرنا می دهند و در عین حال ، در جهت همکاری اقتصادی ج ۱۰ با هم پیمانان پیشین ایران در پیمان امپریالیستی سنتی - سوگام برمی دارند . محافل امپریالیستی آمریکا که با خوشحالی ناظر رقابت رژیم های ایران و عراق برای جلب پشتیبانی امپریالیست ها هستند ، بهای این پشتیبانی را دم به دم افزایش می دهند . ورهبران ج ۱۰ نیز گام به گام آمادگی خود را برای پرداخت بهای بیشتر به نمایش می گذارند . چنین می نماید که آنان باکی از آن ندارند که حیاتی ترین منافع میهن ما را برای پرداخت قیمت پیروزی در جنگ شوونیستی یا عراق ، در معامله سیاسی با امپریالیسم جهانی به حراج بگذارند .

حلول روح قطب زاده در کالبد آقای رفسنجانی ، کسی که روزگاری باد هان پراز مستضعفان صحبت می کرد و توهین به اتحاد شوروی را ممنوعی کرد . امروز در نتیجه عوامل گوناگون ، از جمله تأیلات شوونیستی عمیق ، به چویدست ارتجاع برای هماهنگی با جنگ صلیبی امپریالیسم جهانی با بشریت مترقی تبدیل شده است ، در شرایطی که کنونی ، برای مردم ما چنین معنای سیاسی شوم و نگران کننده ای در بر دارد .

" طبق آمار سازمان برنامه و بودجه جهاد سازندگی ، معغان محروم ترین شهرستان استان آذربایجان شرقی است . از دولت که رسیدگی به وضع محرومین را در اولویت قرار داده ، درخواست می کنیم به تذکراتی که می دهیم توجه نمایند . مناطق محروم انگوت ، برزند ، موران ، خروسلو فاقد آب آشامیدنی و جاده ارتباطی می باشند . روستای مرزی از دیدن روستای منور کشور شمالی شدیداً رنج می برند در صورت امکان به دهات مرزی برق داده شود " (کیهان ۱۷ دی)
سخنان نخست وزیر فقید ، رجائی که دولت کنونی ج ۱۰ خود را ادامه دهنده " خط " او قلمداد می کند ، در این رابطه نیز به قدر کافی گویاست :
" در سفری که با برادر سلامتی به منطقه معغان داشتیم با ایشان به حاشیه مرز رفتیم و هر چه در آن سوی مرز بود ، سبزی خرمی و پرونق کشاورزی ، می ایشان عرض کردم در این فاصله که فقط رودخانه ای قرار دارد ، هیچ عذر و بهانه و توجیهی قابل قبول نیست ، که این طرف مخروبه و لم یزرع باشد آن طرف آنچنان وضع پر رونقی داشته باشد . بهر صورت باید ببینی آنها چه کرده اند و ملت را پیدا کنی ... " (مجله زیتون شهریور ۶۰)
تنها باید پرسید : در آن سوی مرز ، روستاها به نور " کفر " روشن است و این سو ...؟!!

تحولات طبقاتی در جامعه ایران

بقیه از صفحه ۹

بورژوازی تجاری بودند . بازماندگان فعالین این دوران ، صحرانوردی ، عراقی ، آمانی ، پوراستاد ، خاموشی ، شفیعی ، پورشاهی و حاج رفیق دینت رهبران " خط امام " در بازار محسوب می شده اند .

سرمایه داری ملی در ایران در صنعت نیز کم و بیش ریشه دوانده بود . برخی از واحدهای تولیدی نسبتاً بزرگ ، بسیاری از واحدهای تولیدی متوسط در رشته های ریخته گری و فولاد سازی ، نساجی ، صنایع غذایی ، ساخت ماشین های ساده و ابزار یدکی و اکثریت مطلق واحدهای صنعتی کوچک ، اگر چه از نظر تکنولوژی و مواد اولیه کم و بیش به بازار جهانی امپریالیستی وابسته اند ، اما عملکردشان به طور عمده تأمین قارت امپریالیستی نیست . بازاریان قدیمی در میان این کارخانه داران کم نیستند . برای نمونه خاموشی ، رئیس کمیته امور صنفی بازار و نماینده کنونی مجلس خود صاحب کارخانه نساجی و مسئول صاحبان کارخانه نساجی در اطاق بازرگانی و صنایع است .

بسیاری از سرمایه داران ملی و به ویژه بازاریان بزرگ ایران ، از رهگذر سفته بازی در پیرامین بانک های وابسته ثروت می انداختند . ریا خواری آشکار یا پسا سرپوش های شرمی در بازارهای ایران رواج گسترده داشته است . بازاریانی که صندوق های قرض الحسنه را در اختیار داشتند ، از آنها به مثابه بانک های کوچکی برای تأمین منافع خویش استفاده می کردند . این بخش از بازاریان ، به کمک این شیوه های مالی ، تلاش داشتند حتی المقدور استقلال خویش را از سرمایه وابسته بانکی حفظ کنند . در نخستین سال های انقلاب ، صندوق های قرض الحسنه از جمله با استفاده از اعتبار دولتی ، رشد غول آسایی کردند و در شرایطی شدن بانک ها ، به اهرم های عالی نیرومندی در اختیار سرمایه داران بازاری ، برای کنترل مالی و رهبری صنفی توده بازاریان تبدیل شدند .

" صندوق های قرض الحسنه ... پیش از انقلاب می داند چقدر کار کردند و بعد از انقلاب چقدر کار می کنند " (هاشمی رفسنجانی در دفاع از اعتبار نامه خاموشی - جراید) .

مستغلات داران و زمین خواران شهری پیوند های اقتصادی بسیار نزدیکی با بازار و سرمایه داران صنعتی ملی داشتند . خصلت انگلی فعالیت اقتصادی در این رشته ، از طریق این پیوند ها به سرمایه فعالیت اقتصادی سرمایه داری ملی تعبیه داده می شود .

از زمان اصلاحات ارضی شاه توسعه مناسب سرمایه داری در کشاورزی ، شمار زمین داران کوچک و متوسط در روستاهای ایران که با شیوه های سرمایه داری بورژوازی ملاکی و نیمه فئودالی املاک خویش را اداره می کردند افزایش یافت . امروز شمار این زمین داران چندین برابر زمین داران بزرگ است و اراضی تحت مالکیت آنان نیز با اراضی بزرگ مالکان بزرگ برابری می کنند . از سوی دیگر این زمین داران متوسط و کوچک ، در قیاس با زمین داران بزرگ وابسته ، از پشتیبانی اقتصادی دولتی و وام های کلان بانک های وابسته کمتر نصیبی می بردند . در حالی که بانک توسعه کشاورزی ، به زمین داران بزرگ اعتبارات وام های کلان با بهره اندک می داد . زمین داران متوسط و کوچک برای دریافت وام های کوچک با بهره هنگفت از بانک تعاون کشاورزی مدتها در انتظار می ماندند . بسیاری از این زمین داران نیمه سرمایه دار نیز در کنار سرمایه داران ملی افتان و خیزان در انقلاب شرکت کردند . سازمانهای سیاسی سرمایه داری ملی ایران عبارت بوده اند از :

۱- **جبهه ملی** : نماینده بخشی از لایه های بالایی و متوسط سرمایه داری ملی و روشنفکران لیبرال و غرب گرا است که به طور عمده با ساختارهای نوین تولید و توزیع سرمایه داری پیوند دارند . در سمت چپ این جبهه نمایندگان ملی و دموکراتیک ژرفش می یافت و جناح راست آن کمتر مرز مشخصی با نمایندگان اصلاح طلب سرمایه داری وابسته به امپریالیسم دارد .

۲- **نهضت آزادی** : ریشه دارترین سازمان لیبرالی ایران است که منافع بخش وسیعی از تولیدکنندگان متوسط و روشنفکران مذهبی و بازاریانی را که با تولید صنعتی نوین نیز پیوند دارند ، نمایندگی می کنند . تسلط گرایش لیبرالی راستگرا بر این سازمان موجب آن شده است که بخشی از روشنفکرانی که تمایلات دموکراتیک ملی دارند ، از آن جدا شوند و تنها به طور جنبی با آن همکاری کنند .

۳- **مراجعه تقلید و مدرنیزاسیون سازشکار و راستگرای حوزه های علمی** : اکثریت رهبران سازمان سنتی روحانیت از دیرباز پیوند های اقتصادی گسترده ای با بخش وسیعی از سرمایه داران و زمین داران نیمه فئودال - نیمه بورژوا و اقبال مرفه خرده بورژوازی ایران داشتند . اما خط مشی سیاسی این گروه همواره بازتساب منافع لایه های بالایی سرمایه داران و زمین دارانی بوده است که منافع آنان با منافع

سرمایه داری و زمین داری بزرگ وابسته گره خورده است .

ایدئولوژی و کار پایه سیاسی این گروه همواره ، بیانگر نوعی لیبرالیسم منتشر ، سنت گرا و محافظه کار و راستگرا بوده است . کمونیسم ستیزی و شوروی ستیزی افراط گسیخته ، قشری گری و مقدس مآبی ریاکارانه ، تکفیر گرایشهای دموکراتیک پیگیر روشنفکران مذهبی انقلابی ، از جمله تکفیر دکتر شریعتی به عنوان " وهابگری " تکفیر مجاهدین خلق تحت عنوان " مارکسیسم اسلامی " و مخالفت و عناد دائمی پیکارجویی روحانیون مبارز و توده روشنفکران مذهبی در جامعه " سیاست زدایی مذهب ، شاخص های عمده خط مشی سیاسی حاکم بر سازمان سنتی روحانیت بود است .

رهبران سازشکار و راستگرای روحانیت ، کمترین اعتراض اصولی نسبت به تسلط امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بر میهن ما نداشتند . مخالف قشری گرانه و زاهد متشانه آنان تنها به نفی کلی فحشاء و بی حیایی و بی بندوبار رایج و بهائی گری محدود می شد . آنان همچنین کمترین مخالفتی نسبت به شخصه شاه نداشتند و از نظر سیاسی نیز همواره آماده واسطگسی سازش سیاستمداران مخالف با رژیم بودند . آیت الله شریعتمداری ، یکی از واسطگان سازش دراز مدت مهندس بازرگان بل رژیم شاه بود .

" آقای مهندس بازرگان در سال ۶۶ از زندان آزاد شد و مستقیماً رفت به دارالتلیخ شریعتمداری و سخنرانی کرد . یعنی درست مقابل نیروهای مظلوم درگیر با شاه ایستاد " (کزویی - اطلاعات ۱۷ مهر ۶۶) .

گروهی از آنان پیوند های آشکار با دربار داشتند (آیت الله شریعتمداری ، آیت الله خویی - ناصر مکارم شیرازی عضوالتربیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نویسنده " فیلسوف نماها " نخستین کتاب ضد کمونیستی و ضد توده های در ایران برنده جایزه سلطنتی شد) ، و بخشی به رابطه با دربار تظاهر نمی کردند . اما تلاش فراوان داشتند که مخالفتی با سیاست های حاکم نشان ندهند .

آیت الله مطهری در باره آنان می گفت :

" بازار تکفیر و نسبت بی دینی را به هر صاحب فضیلتی رایج ساختند ، اسلام را به سوی رهبانیت و انزوا کشانیدند ، و بازار تظاهر و ریا را رایج کردند " (پیا ، انقلاب - شماره ۶۹) .

و آیت الله خمینی که همواره خواستار " اصلاح " آنان بود می گفت :

" باید افکار آنها را اصلاح کنیم و تکلیف خود را با آن ها معلوم سازیم . چون این ها مانع اصلاحات و نهضت ما هستند و دست ما را بسته اند . با وجود آن ها ، مثل این است که دشمن به شما حمله کرده و یک نفر هم محکم دست های شما را گرفته باشد . این هایی که اسمشان " مقدسین " است ... اگر بخواهید کساری انجام بدهید ... آن ها شمارا در جامعه ضایع می کنند " (حکومت اسلامی - ص ۱۹۶) .

فعالیت سیاسی سازمان "حجتیه" که تمامی مراجع تقلید در زمان شاه - به جز آیت الله خمینی که سازمان حجتیه با او نیز تماس گرفته بود (ر.ک. به اعلامیه تعطیل جلسات حجتیه - جراید) - از محل وجوه شرعی به آن کمک مالی می کردند و همراه با اکثریت مدرسین راستگرای حوزه های علمی از آن پشتیبانی مذهبی و سیاسی به عمل آوردند ، نمونه شاخصی از عملکرد سیاسی این جناح از رهبری سازمان سنتی روحانیت بود . محور های خط مشی سیاسی سازمان حجتیه را فعالین گذشته آن ، با پرده پوشی آشکار ، چنین توصیف کرده اند :

" در بین کسانی که به انجمن کمک مادی می کردند ، چهره هایی را پیدا می - کنیم که از این گونه بود ، یعنی متولین ... و انجمن این ها را عیب نمی داند ، یعنی نسبت به سرمایه داری که مثل زالو اموال مردم را مکیده و در شرایط خفیلی مرفه طاقتی زندگی می کند ، حساس نیست " .

" حجتیه نسبت به گروه های غرب زده لیبرال ها و به جریان هایی که تحت تأثیر غرب هستند ، آن حساسیت را نشان نمی دهد . با جریان های راستگرا مبارزه نمی - کرد ... " .

" افراد انجمن حجتیه به علت نداشتن این نوع بیشتر غالباً افرادی انقلابی نیستند و در عمل طیفی (هستند) که با مدیریت نزدیک ترند ، سازشکارترند و بسا خط سازش در کنار هم قرار می گیرند . البته این جا مقصود سازش با آمریکا است . نمی توان گفت که افراد انجمن ، مأمور بیگانگان هستند . ولی در عین حال که می خواهند برای خدا کار کنند ، کاری می کنند که اگر آمریکا می خواست بکند ، باید کلی هزینه و نقشه برایش می کشید . ولی این ها به راحتی انجام می دهند . پس ما می توانیم این افراد را به دو گروه تقسیم کنیم . یکی آگاهانه و دیگری نا آگاهانه که در خط آمریکا قدم برمی داشتند " (مهندس طبیب - نماینده نائین - صاحب) .

بر این مختصات باید افزود که رهبری سازمان اپنا بر مدارک انکار ناپذیر از دیر باز جولانگاه مأموران ساواک و سیا بوده است . شیخ حلبی ، رهبر سازمانی حجتیه هرگز ارتباطات خود را با سازمان امنیت شاه انکار نکرد و اسناد گوناگونی که ابعاد این ارتباطات را نشان می داد ، از جمله به وسیله حزب توده ، ایران انتشار یافته

تحولات طبقاتی در جامعه ایران

بقیه از صفحه ۱۴

است . پایگاه طبقاتی و عملکرد سیاسی این جناح از نمایندگان مذهبی - سیاسی سرمایه داری و زمین داری ایران را می توان با جناح ارتجاعی اخوان المسلمین مصر و سوریه ، جناح راست اهل در لبنان و روحانیون مسلمان پشتیبان ضیا الحق در پاکستان برابر دانست .

حزب توده ایران در افشا رسوا کردن حجتیه و حجتیه گرایان در حاکمیت ج ۱۰۱۰ نقش اساسی داشت .

۴- حزب خلق مسلمان : دسته بندی جناحی از روحانیت راستگرا ، به رهبری شریعتمداری بود که بازاریان بزرگ آذربایجان از آن حمایت مالی می کردند و مهره های نفوذی امپریالیسم (مقدم مراعاتی ها) در آن فعال بودند .

۵- گروه بنی صدر : نظریات ایدئولوژیک و خطی مشی سیاسی گروه بنی صدر (بنی صدر - سیلا متیان - غضنفر پور - نوری - جعفری) که در دوران ریاست جمهوری بنی صدر سازمان سیاسی " دفتر هماهنگی مردم با رئیس جمهور " را به وجود آوردند و نقش سیاسی ویژه ای ایفا کردند ، بیانگر نوعی لیبرالیسم آمیخته به گرایشهای اصلاح طلبانه است . وجوه مشترک ایدئولوژیک و سیاسی گروه بنی صدر با نهضت آزادی فراوان است . این گروه نماینده لایه های میانه بورژوازی تجاری و بیسه ویژه سرمایه داری صنعتی متوسط و کوچک و پخش بزرگی از کارمندان و روشنفکران لیبرال بود .

۶- گروه مدافع سرمایه داری و زمین داری در میان پیروان آیت الله خمینی : از زمان آغاز مبارزه ضد سلطنتی و ضد امپریالیستی آیت الله خمینی ، در میان پیروان ناهمگون او ، دو گروه نیرومند مدافع " مالکیت نامحدود مشروع " و از جمله مالکیت بزرگ فئودالی و سرمایه داری وجود داشت . گروه نخست از روحانیون بزرگی چون آیت الله ربانی شیرازی - آیت الله مهدوی کنی - آیت الله قاضی - آیت الله حاجری شیرازی و آیت الله اتواری تشکیل می شد . گروه دوم سیاستمداران بازاری بازمانده از هیأت های مؤظفه سگراولادی ، امامی ، خاموشی ، پوراستاد ، رفیعی - دوست ... بودند . که طی سالهای طولانی ، منبع ارتزاق مالی مهمی برای شخصیت ها و سازمان های مذهبی - سیاسی طرفدار آیت الله خمینی بودند . این گروه که پس از پیروزی انقلاب به سرعت یکدیگر را یافتند و پیوند های محکم اقتصادی و سیاسی برقرار کردند ، نماینده بخشی از سرمایه داران متوسط و کوچک بازاری و زمین داران نیمه فئودال - نیمه بورژوا بودند .

در جریان نخستین دو ساله انقلاب سیاستمداران بازاری که همگی در حزب ج ۱۰ گرد آمده بودند ، در رأس حساس ترین دستگاه های اقتصادی دولتی و نیمه - دولتی قرار گرفتند ، و با استفاده از امکانات انحصاری دولتی و ابر سود احتکاری ، هم خود ثروت انبوهی انباشتند و هم از طریق " کمیته امور صنعتی " بازار ، توده بازاریان را تحت رهبری خویش سازمان دادند ، تا آنجا که در آستانه سرنگونی بنی صدر ، سیاستمداران بازاری پیرو آیت الله خمینی که روزگاری دلال نخود و لوبیا و فروشنده قراضه آهن بودند ، کلان سرمایه دارانی بودند که رهبری اقتصادی و

و سیاسی بازار را به عهده داشتند (ر . ک . د قاضیات خاموشی در مجلس - جراید) پس از سرنگونی بنی صدر این گروه که با تک چهره های چون توکلی و پیروزش تکمیل می شدند ، با واسطه آیت الله مهدوی کنی ، با مراجع تقلید و مد رسین حسوزه های عظیمه ائتلاف کردند ، و همراه با فعالین و توابعین حجتیه ، جناح ارتجاعی نیرومند حاکمیت را بوجود آوردند .

کار پایه سیاسی آنان ، بازسازی وابستگی به امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا ، در گام نخست از طریق کشورهای اسلامی وابسته و اره های غربی و ژاپن ، گشودن " پیچ تزریق " کالاهای امپریالیستی ، و واگذاری انحصاری واردات و عرضه کالاها به " کانال سنتی توزیع " ، تشدید استثمار کارگران به کمک قانون کار توکلی ، سد کردن تحولات بنیادی از جمله اصلاحات ارضی ، بازس گرنتن کارخانه ها و شرکت ها و زمین های ملی شده ، و سرانجام شوری ستیزی و توده های ستیزی افسار گسیخته و جنون آمیز بود . آنان اغلب این سیاست را که نسخه دیگری از امپریالیسم مشرع و سنت گرا و محافظه کار ایران بود ، " اسلام فقهاتی " می نامیدند .

نقش بورژوازی ملی در انقلاب بهمن

در گزارش هیأت سیاسی به شانزدهمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران آمده است :

" مسلم است که سرمایه داری لیبرال ، که تا کنون با جنبش همراه بوده ، می کوشد جنبش را در چهار چوب منافع محدود طبقاتی خود نگاهدارد ، و جنبه های خلقی و مردمی آن را تضعیف نماید . تجربه همه انقلابها نشان داده است که با گسترش جنبش انقلابی در جهت خواست های طبقات و قشرهای محروم جامعه ، ایمن سرمایه داری لیبرال حاضر شده است از انقلاب رو برگرداند و با ایقمانده نیروهای ضد انقلاب سازش کند و آن را برای سرکوب جنبش خلق زحمتکشان به کار اندازد . باید انتظار داشت که در درون جنبش انقلابی میهن ما هم همین پدیده ها رشد کند " (اسناد و اعلامیه های حزب توده ایران - ص ۶۲)

این نظر را چنانکه تجربه نشان داد ، می توان به سراسر طیف نمایندگان سرمایه داری ملی ایران تعمیم داد . نمایندگان سیاسی سرمایه داری ملی ایران ، به دو فراکسیون بزرگ لیبرال های نوگرا (جنبه ملی - نهضت آزادی - گروه بنی - صدر) و لیبرال های سنت گرا و محافظه کار و پیرو " اسلام فقهاتی " (مراجع و روحانیون راستگرای سازشکار - لیبرال های مشرع پیرو آیت الله خمینی) تقسیم می شدند . اختلافات میان آنان تنها اختلافات پهنشی نبود ، پایه طبقاتی نیز داشت . برای نمونه محافظه کاران ، سنت گرای پیرو آیت الله خمینی ، برخی نشانه های رادیکالیسم لایه های فرو دست بورژوازی ملی را نیز همراه داشتند . اما در خطوط اساسی کار پایه و خط مشی سیاسی نمایندگان هر دو فراکسیون همگونی بسیار وجود داشت . این گروه ها به تناسب ترش و گسترش انقلاب ، یکا یک به قدرت رسیدند ، و پیوسته لافا صلاصه به راست چرخیدند و با همکاری متحدان فراکسیون خویش لحکم به توقف و بازگشت انقلاب و سازش با امپریالیسم و ارتجاع دادند .

ادامه دارد

جهاد سازندگی در مسلخ ارتجاع

بقیه از صفحه ۱۰

دولتی می شود ، جهاد ناگزیر خواهد بود . بسیاری انجام اقدامات عمرانی به روشهای بوروکراتیک ، مزایده و مقاطعه روی بیاورد . بدینسان جهاد سازندگی ، گام در جاده های خواهد گذاشت که در انتهای آن " وزارت تعاون و امور روستائوسی " آریاضهری واقع است . به عبارت دیگر در ایمن - صورت جهاد نهضت داری خواهد شد که برای عمران روستاها به شیوه سرمایه داری وابسته به کار خواهد آمد . و نیروی محرکه آن ، نه نیروی سازنده و او طیلانیه انقلابیون بلکه انگیزه های سودجویانه و غارتگرانه مقاطعه کاران خرد و کلانی خواهد بود که در سالهای اخیر در ج ۱۰ جان تازه ای گرفته اند .

۴- چنین شیوه هایی نیز به تبدیل جهاد - گران هنوز انقلابی به عوامل پشت میز نشین مقاطعه کاران ، کمک خواهد کرد . طرح های برنامه ریزی شده از بالا با کمک مقاطعه کاران پیاده

خواهد شد و جهادگران سابق وظیفای جز پشت میز نشینی و تنظیم اجرایی طرح و حسابرسی و پرداخت هزینه قراردادها را نخواهند داشت . لذا ارتباط آنان با توده دهقانان به تدریج خصلت اداری و بوروکراتیک پیدا می کند و آنان به عنوان مهره هایی در دست سرمایه داران مقاطعه کار در خواهند آمد .

سرنوشت آسف بار جهاد سازندگی را چون هر نهاد دیگری نمی توان جدا از سرنوشت انقلاب ایران بررسی و ارزیابی کرد . حاکمیت ج ۱۰ که به ورطه خیانت به انقلاب در غلطیده و کمر همت به خدمت به امپریالیسم و سرمایه داران و زمین داران بزرگ بسته است ، نیازمند آنست که دستگاه اداری مناسب اهداف خود را نیز بازسازی کند . تبدیل نهاد جهاد سازندگی به نسخه دوم وزارت تعاون و امور روستائی ، گام دیگری در این راستاست .

نامه خوانندگان

رفیق گرامی منوچهر :

نامه شما به دست ما رسید .

از اینکه شماره ۶۶ راه توده " که در خیابان یافته اید موجب ارتباط شما با ما شده است ، خوش - حالیم . کوشش خواهیم کرد از راهی که پیشنهاد کرد هاید نشریه را مستقیما به دستتان برسانیم . ما با شما موافقیم . نبرد ما توده های ما که ریشه در خواست و نیازهای مردم دارد ، همچنان ادامه دارد . باید با توجه به شرایط حاکم ، مناسب ترین راه در جهت روشنگری زحمتکشان ، کمک به سازماندهی آنها و مقاومتشان در مقابل سیاست های ضد مردمی و انقلاب و ایران برانداز حاکمیت ارتجاعی باز یافت و هموار ساخت .

بیرایتان آرزوی موفقیت و توان رزم جوانان بیشتر داریم .



پیرامون دیدار نخست وزیر جمهوری خلق چین از ایالت متحده آمریکا

هفته گذشته ، نخست وزیر جمهوری خلق چین پس از گفتگوهای خود با رونالد ریگان و دیگر رهبران ایالات متحده آمریکا ، با بنگاه تلویزیونی سی - ان - ان مصاحبه‌ای داشت . در این مصاحبه از جایو زیان در باره مناسبات چین و آمریکا ، مسائل سیاست داخلی و خارجی چین و همچنین برخی مسائل بین‌المللی پرسش‌هایی شد . او گفت نظریات جمهوری تودوهای چین و ایالات متحده آمریکا در مورد کامپوچیا ، افغانستان و ویتنام یکسان است اما در مسائل دیگر با نظری انتقادی به سیاست آمریکا می‌نگرد . نخست وزیر چین از جمله از "جهان سیم" یاد کرد و گفت که باید "به حقوق ملی آنها احترام گذاشته شود". در مورد سیاست آمریکا در خاور نزدیک و آمریکا مرکزی هم ، نخست وزیر چین گفت میان ما اختلاف نظرهایی وجود دارد . اما من فکر می‌کنم لازم نیست جزئیات تشریح شود . ما با اشغال گرنا دا موافق نیستیم و فکر می‌کنیم ارتش

آمریکا باید از این جزیره بیرون رود تا مردم آنجا به طور مستقل و بدون فشار از خارج مسائل خود را حل کنند .

نخست وزیر چین در مصاحبه خود گفت که طی دیدار با نمایندگان کنگره آمریکا در مورد ممنوع بودن صادرات " به کشورهای کمونیستی " صحبتی نکرده ، ولی توجه آنان را به این نکته جلب نموده است که هنوز چین مانند گذشته به عنوان یک دولت دشمن ایالات متحده ارزیابی می‌شود .

در پاسخ به این پرسش که جای چین در مناسبات با آمریکا و اتحاد شوروی در کجاست ، نخست وزیر چین گفت : چین با آمریکا نظریاتی یکسان یا مشابه در بسیاری مسائل دارد . در عین حال مسائلی هم هست که در آنها اختلاف نظر داریم . در چنین شرایطی برقراری همکاری همه جانبه ممکن نیست . ولی همانطور که بارها گفته‌ایم سیاست ما دوری یکسان از دو طرف نیست .

موريس بيشپ قربانی آدمکشان سیا

روزنامه " هندی نیو ویو " ضمن تفسیری پیرامون قتل موريس بيشپ ، نخست وزیر گرنادا می‌نویسد : از منابع معتبر کسب اطلاع شد که موريس بيشپ به دست سفاس سنت پل رئیس‌گارد و محافظان نخست وزیر به قتل رسیده که ما موريس بوده است . هنگامی که کوشید هاند قاتل را

دستگیر کنند او مسلحانه مقاومت کرده و مطالب گفته شده شاهدان عینی بر اثر تیراندازی متقابلاً کشته شده است . سپس در خانه او دستگیر و رمز کردن اطلاعات ، فرستنده قابل حمل و همچنین داروها و وسایل تسکین اعصاب به دست آمد . هنگام تشریح جسد موريس بیشپ در معده او مواد شیمیایی کشف شد که می‌توانسته منجر به مرگ تدریجی شود . این امر پزشکان را به این نتیجه رسانید که توطئه کنندگان به وسایل گوناگون و از جمله از راه مخلوط کردن با غذا به موريس بیشپ مواد سمی می‌خوراند هاند .

تصویب قانون کار انقلابی در افغانستان

در جمهوری دموکراتیک افغانستان ، یک سلسله قوانین از جمله قانون کار به تصویب رسید . بر اساس مفاد مرقی این قانون دولت صرف نظر از تعلق ملی ، سن و سال و جنسیت شهروندان خود ، برای تمامی کارگران حق کار تضمین می‌کند .

کمک مالی به حزب توده ایران، یک وظیفه انقلابی است!

رفقای هوادار حزب توده ایران در گوئینگن هزینه جاب این شماره "راه توده" را تأمین کردند

یعقوب	۵۰۰ مارک
عربستان سعودی	۳۰۰ دلار
رفیق شماره ۱۸ کمک مالی شما رسید .	
رفیق جدید	۷۰ مارک
دکتر س از آلمان فدرال	۱۰۰۰ مارک
یک رفیق فدائی از فرانسه یک گردنبد الله	
Moni	100 DM

RAHE TUDEH
No. 76
Friday, 20. Jan 84
Address: Winfried Schwarz
Markgrafenstr. 13
6000 Frankfurt 90

Price:	England	30	P.
West-Germany	Belgium	22	Fr.
1	Italy	600	L.
France	U.S.A.	50	Cts.
Austria	Sch. Sweden	3	Skr.

بیانیه مشترک سازمانهای چپ فلسطین درباره رویدادهای اخیر تریپولی

به دلیل وضعیت بغایت خطرناکی که در نتیجه درگیری مسلحانه در شمال لبنان و بمباران اردوگاه‌های فلسطینی‌های پناهنده به وجود آمده در ششم نوامبر ۱۹۸۳ ، جلسه مشترکی از رهبران جبهه خلق برای فلسطین ، جبهه دموکراتیک برای آزادی فلسطین ، جبهه‌های بخش فلسطین و حزب کمونیست فلسطین در دمشق تشکیل شد که به نتایج زیرین نائل آمده است .

۱- سازمانهای مذکور درگیری‌های مسلحانه و بمباران اردوگاه‌های فلسطینی را به عنوان جنایتی بر مردم فلسطین و لبنان تلقی کرده که در نتیجه ، یکپارچگی سازمان آزادی بخش فلسطین و انقلاب را تهدید می‌کند ، به شدت محکوم می‌کنند . این رویدادها در خدمت اهداف دشمنان خلق ، امپریالیسم صهیونیست است که سودای نابودی دستاورد های مبارزاتی ما و از هم پاشیدگی سازمان آزادی بخش فلسطین را در سر می‌پروراند .

۲- سازمانهای مذکور خواهان آنند که تمامی زد و خورد ها ، بمباران اردوگاه‌های فلسطینی و نیروهای ملی لبنان در شهر تریپولی فوراً متوقف شود . تنها بدین طریق بازگشت به زندگی روزمره که در نتیجه این درگیری نابود

کننده قربانیان بی شماری را به کام خویشتش بلعیده است ، میسر شود .

۳- درگیری خونین اخیر در زمانی صورت می‌پذیرد که تهدید آمریکا و حملات اسرائیل علیه تمامی نیروهای ملی لبنان ، فلسطین و سوریه به اوج خود می‌رسد و این خود انگیزهای است برای تدارک خشونت وسیع علیه نیروهای ملی . این درگیری در زمانی شکل می‌گیرد که قیام‌های خلق ما در سرزمین‌های اشغالی شدت می‌گیرد . علی‌رغم جویانهای آشکاری که در توجیه این درگیری مسلحانه کوشش می‌ورزند ، ایمن پدیده تنها به اهداف دشمنان ما کمک خواهد کرد . گذشته از نتیجه حاصله این درگیری

مسلحانه که به تفریح کم طرف درگیری تمام شود ، یقینانه تشنه‌ی حمل اختلاف سیاسی در سازمان آزادی بخش فلسطین منجر نخواهد شد ، بلکه یکپارچگی آن را نیز از هم می‌گسلد .

۴- ما از تمامی نیروهای میهن پرست - مرقی عرب و دیگر نیروهایی که با مبارزه خلق فلسطین همبستگی نشان می‌دهند ، می‌طلبیم تمامی نیرویشان را در جهت متوقف ساختن این جنایت و برای یکپارچگی سازمان آزادی بخش فلسطین بر اساس دستاوردهای مصوبه شورای ملی فلسطین تحکیم بخشد .

